

اخلاق کارمندی



کاری از دفتر نهاد نمایندگی مقام مسلم راهبری دانشگاه اراک





اخلاق کارمندی

کاری از دفتر نهاد رهبری دانشگاه اراک

مسئول پروژه و ناظر کیفی:

حجت الاسلام دکتر مهدی مهدوی اطهر

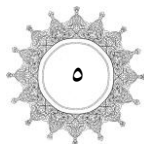
گردآورنده: حجت الاسلام حسین هداوندی

ویراستار و طراح گرافیک: علیرضا صفری

نسخه اول



@Arak_nahad



فهرست

مقدمه:	۹
الف) ارزش ها در اخلاق کارمندی	۱۰
۱. امانت و درستکاری	۱۳
۲. احترام به قانون	۱۶
۳. اطاعت پذیری	۲۱
۴. انتقاد پذیری	۲۵
۵. تکلیف گرایی	۲۹
۶. تواضع	۳۴
۷. تعهد کاری	۳۸
۸. خدمت محوری	۴۲
۹. خوشرویی با ارباب رجوع	۴۷
۱۰. رازداری	۵۱
۱۱. سعه صدر داشتن	۵۴
۱۲. صداقت و راستگویی	۵۹
۱۳. عدل و انصاف	۶۶
۱۴. کنترل زبان	۶۹
۱۵. گره گشایی از کار دیگران	۷۲
۱۶. مدارا و ملایمت کردن	۷۶

۱۷. همدردی با دردمندان ۸۰
- ب) ضد ارزش ها در اخلاق کارمندی ۸۶
۱. آزار مؤمنین ۸۷
۲. اهانت و تحقیر ۹۰
۳. برتری طلبی (دوری از مردم) ۹۲
۴. تبعیض ۹۵
۵. ترک فعل (کم کاری) ۹۷
۶. چهل ورزی (ندانسته گویی) ۱۰۰
۷. چاپلوسی و تملق ۱۰۲
۸. خُلف وعده ۱۰۵
۹. سخن چینی ۱۰۷
۱۰. رابطه گرایی (پارتی بازی) ۱۱۰
۱۱. غضب ۱۱۲
۱۲. منت گذاری ۱۱۵
- منابع و مآخذ ۱۱۸

مقدمه

اخلاق مسئله ای است دارای ابعاد فردی ، اجتماعی ، زیستی و سیاسی که همه افراد در همه عرصه ها موظف به رعایت آن هستند. از جمله افرادی که موظف به رعایت بیشتر اخلاقیات می باشند حاکمان و کارگزاران کشورها هستند که در حوزه ی سیاست و زمامداری باید اصول اخلاقی را رعایت نمایند بر اساس نقل معروف از امام علی علیه السلام که می فرماید : «الْأَنْسَاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^۱ مردم، به دولتمردان خود شبیه ترند تا به پدرانشان را می داند.

رفتار و سبک زندگی کارگزاران یک جامعه می تواند بیانگر سبک زندگی جامعه خود نیز باشد . زیرا حاکمان سیاسی تاثیر زیادی در فرایند بهبودی و تغییر شرایط اخلاقی و اعتقادی جامعه دارند . گاهی اوقات عواملی مانع ظهور و رعایت اصول اخلاقی در افراد می شود که یکی از نتایج آن رفتارها و اعمال خلاف اصول اخلاقی می باشند که سبب آسیب به همه مردم و کل جامعه می شود و در جامعه دینی ما علیرغم حاکمیت دینی و اسلامی آن، در مدیریت سازمانی کمتر به اخلاق و اخلاق حرفه ای توجه شده است و این در حالی است که امروزه بسیاری از سازمان های موفق برای تدوین استراژی اخلاق جایگاهی را احساس می کنند و به این باور رسیده اند که باید در یک سازمان یک فرهنگ مبتنی بر اخلاق رسوخ کند و از همین جهت سازمان ها روی آورده اند به این مطلب که تحقیقاتی را درباره اخلاق حرفه ای انجام دهند.

۱ . حرانی ، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۲۰۸، ح ۲۱ .



در اهمیت پرداختن به اخلاق در بیانات بنیانگذار انقلاب این گونه می خوانیم « باید هر قدمی که در راه تحصیل برداشته می شود، اگر عرض نکنم دو قدم، لا اقل يك قدم هم در باب تهذیب اخلاق، در باب تحکیم عقاید، در باب استقرار ایمان در قلب [برداشته شود]. اینها تفکر لازم دارد؛ محاسبه لازم دارد؛ مراقبه لازم دارد. آقایان باید مراقبه کنند، باید مراقبت کنند خودشان را. از صبح تا عصر باید مراقب خودشان باشند. نفس انسان سرکش است، يك آن از آن غافل بشویم، نعوذ بالله، انسان را به کفر می کشد نه به فسق، اگر غافل بشود انسان. شیطان راضی نیست به فسق ما، او کفر ما را می خواهد.»^۱

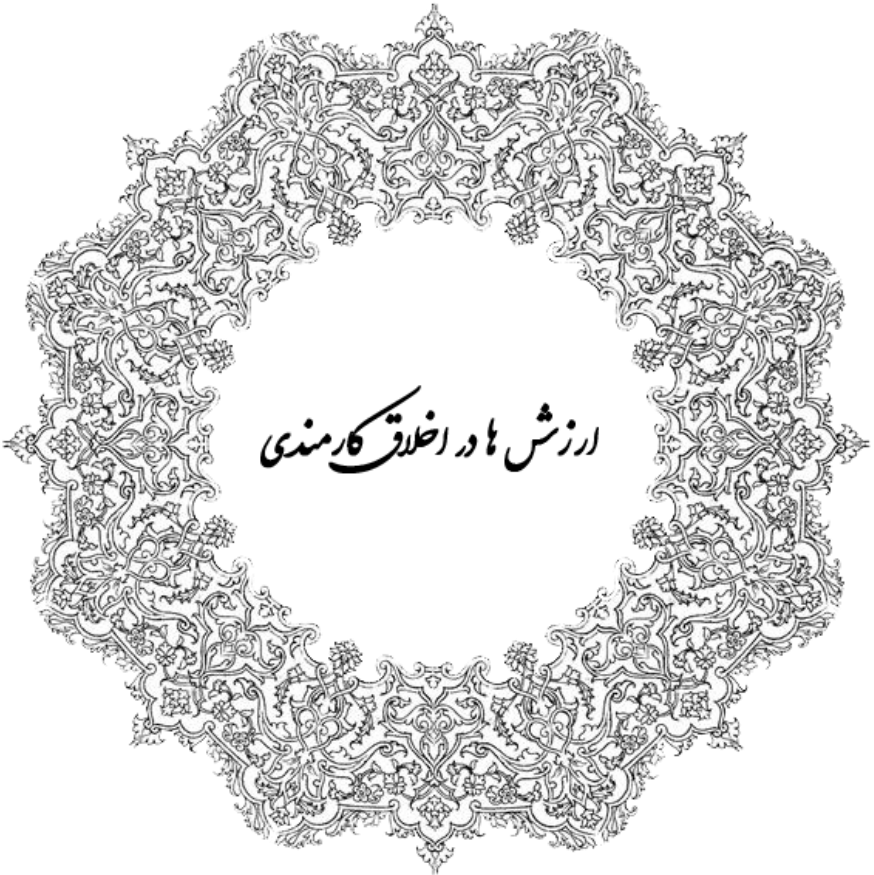
در این نوشتار سعی بر این شده است که با تکیه به کلام الهی، معصومین، بیانات رهبر معظم انقلاب و سیره شهدا در دو بخش ارزش ها و ضد ارزش ها بخشی از اخلاق حرفه ای کارمندی را بررسی کنیم تا با عمل به این نکات بتوان قدمی هرچند کوچک در اخلاق شخصی و اجتماعی برداشته باشیم.

به طور کلی اخلاق را می توان در دو بخش بایدها و نباید ها تقسیم بندی کرد که سعی شده است با عنوان ارزش ها و ضد ارزش ها در این قسمت بیاوریم.

مهدی مهدوی اطهر

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک





ارزش مادر اخلاق کارمندی

در تعریف ارزش این گونه بیان شده است که ارزش به صورتی دوگانه در واقعیت وجود دارد: نخست به منزله آرمانی متجلی می‌شود که خواستار پیوستگی است و دعوت به احترام می‌کند. دوم در اشیاء یا رفتارهایی جلوه گر می‌شود که آن را به شیوه‌ای عینی یا دقیقاً به شیوه سمبلیک (نمادین) بیان می‌کند.^۱

برخی از ارزش‌ها را می‌توان در این عناوین بیان کرد:

۱. رفیع پور، آناتومی جامعه یا سنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی: ص ۵۸

۱. امانت و درستکاری

معمولا در یک سازمان بین افراد و کارکنان سخنانی و یا اعمالی اتفاق می افتد که همه افراد این انتظار را از بقیه افراد سازمان دارند که سخنان آن ها به صورت امانت در نزد بقیه همکاران باقی بماند در این جا وظیفه شرعی یک کارمند این است که این ودیعه ای که در پیش آن ها به صورت امانت قرار داده شده را حفظ و پاسداری کند و نباید به هیچ وجه سر و راز افراد دیگر را در نزد بقیه همکاران فاش نماید. و یا این که بعضا در برخی از پرونده های اداری مطالبی را جو یا می شود که جزو اسرار و راز های ارباب رجوع می باشد که فاش کردن آن ها می تواند به آبروی طرف مقابل ضربه وارد کند که طبق روایات و سخن بزرگان همه این موارد از دسته ی امانات می باشند و این شخص باید همه را در نزد خود به صورت امانت حفظ و نگه داری کند و نباید آن ها را برای دیگران بازگو کند.

آن قدر این بحث امانات در دین و فرهنگ اسلام مهم می باشد که در آیات قرآن و کلمات معصومین کاملا به آن پرداخته شده است که ما در ادامه به برخی از آن ها اشاره می کنیم :

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ^۱

آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می نمایند.



روایات :

۱. اهمیت امانت

در برخی از روایات ما امانت را در رتبه ایمان آورده اند که هر فردی که نگهدارنده امانت نباشد از رتبه ایمان هم ساقط می شود و دیگر چنین فردی ایمان نخواهد داشت.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا إيمانَ لِمَن لا أمانةَ لَهُ.^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان ندارد کسی که امانتدار نیست.

۲. پیامد امانت

مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي وَيَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ.^۲

کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و آنگاه بمیرد بر دین من نمرده است و با خدا دیدار می کند در حالی که بر او خشمگین است.

۳. آثار امانت

قال رسول الله الأمانةُ تَجْلِبُ الغِنَاءَ، و الخيانةُ تَجْلِبُ الفقرَ^۱

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲ ص ۱۹۸

۲. سید محمد حسین بروجردی، جامع الاحادیث الشیعه: ج ۲۳، ص ۱۱۵۴



پیامبر گرامی اسلام فرمودند: امانتداری توانگری می آورد، و خیانت در امانت ناداری.

۴. رد امانت

قال علی بن ابی طالب علیه السلام: أَقْسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ، مَرَارًا ثَلَاثًا: يَا أَبَا الْحَسَنِ، أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ، حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَالْمِخْيِطِ^۲.

امام علی فرمودند: قسم یاد می کنم که پیامبر خدا ساعتی پیش از وفات خود، سه بار به من فرمود: ابا الحسن! امانت را، کم باشد یا زیاد، به صاحب آن، نیک باشد یا بد، برگردان، اگر چه [آن امانت] نخ و سوزن باشد.

بیانات رهبری:

از جمله مصادیق امانت، رعایت اولویّتها در هزینه کردن است. گاهی هزینه ها، هزینه های درستی است؛ اما اولویّت دار نیست. شما نگاه کنید، اولویّتها را با امکانات تطبیق کنید. امکانات ما محدود است؛ لذا اولویّتها را با امکانات چفت کنید. البته در این کار، سازمان مدیریّت و برنامه ریزی و دستگاه های دولتی میتوانند نقش زیادی داشته باشند. خلاصه این که باید برای بیت المال، بسیار اهمیت قائل شد.^۳

۱. محمد باقر، مجلسی،، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۱۱۴

۲. محمد باقر، مجلسی،، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۷۳

۳. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۰، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵



سیره شهدا:

محمد میرجانی می گوید:

آقا مهدی عادهای خاصی داشت. هیچ وقت به گزارش های دیگران در رابطه با مناطق عملیاتی اکتفا نمی کرد. این طور نبود که خودش بنشیند و بر اساس اطلاعاتی که مسئولین دیگر واحدهای جنگ به او می دهند تصمیم بگیرد. همیشه خودش اولین کسی بود که می رفت مناطق عملیاتی را از نزدیک می دید. موقع عملیات و پاتک های دشمن هم مدام می رفت منطقه جنگی و بر می گشت تا وضعیت دشمن و نیروهای خودی را به دقت زیر نظر بگیرد. گاه پیش می آمد که رو می کرد به من و می گفت: «فلانی برویم فلان منطقه را که برای انجام عملیات به ما واگذار شده از نزدیک ببینیم.» هرچه اصرار می کردم که حالا باشد خودم یا نیروهای اطلاعات یک بار برویم، اوضاع کلی دستانم بیاید، آن وقت شما بروید، قبول نمی کرد. می گفت: «من تا زمینی را اول از نزدیک نبینم و نشناسم، هرگز بچه های مردم را که در دست ما امانتند برای نبرد با دشمن به آنجا نخواهم فرستاد، حتی اگر جانم را در این راه بگذارم!»^۱.

۲. احترام به قانون

در کل جهان هستی برای حفظ افراد بشر در هر افرادی که در جامعه زندگی می کنند و یا سازمان ها قوانینی وضع شده است تا افراد بتوانند زندگی شهروندی خودشان

۱. حسن فایضی، از خاک تا افلاک: ص ۲۹



را بهتر ادامه دهند و در ذیل این قوانین آسایش و امنیت بیشتری برای خود و دیگر هموعان خود احساس کنند و ترقی و پیشرفت سازمان و یا جامعه بستگی به عمل نمودن به این قوانین دارد و متقابلاً شکستن این قوانین در جامعه و یا در سازمان باعث خواهد شد که هرج و مرج به وجود بیاید و دیگر افراد آن احساس آسایشی را که در قبل به آن توجه داشتند را دیگر نخواهند داشت و هرج و مرج همه جا را فرا خواهد گرفت.

حمایت از اجرای قانون برای همه لازم می باشد و به فرد و زمان خاصی بستگی ندارد. ولی متأسفانه برخی از افراد هستند که تا زمانی که قانون برای آن ها مفید باشد و به منافع آن ها خطری را وارد نکند از قوانین پیروی می کنند در صورتی که احساس کنند که ممکن است قانون برای آن ها مشکل ساز باشد در مقابل قانون می ایستند و می خواهند که قوانین را به نفع خودشان عوض کنند.

حتی در سیره امام خمینی(ره) هم این گونه آمده است که ایشان بسیار زیاد با مخالفت با قانون مبارزه می کردند و این رویه را قبول نداشتند که مردم بخواهند بر خلاف قانون عملی را انجام دهند «نمی شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. "غلط می کنی قانون را قبول نداری؛ قانون تو را قبول ندارد" نباید از مردم پذیرفت، از کسی پذیرفت، ما شورای نگهبان را قبول نداریم. نمی توانی قبول نداشته باشی. مردم رای دادن به اینها، مردم ۱۶ میلیون تقریباً یا یک قدری بیشتر رای دادن به قانون اساسی. مردم که به قانون اساسی رای دادند منتظرند که قانون اساسی اجرا بشود؛ هر کس از هرجا صبح بلند می شود بگوید من شورای نگهبان را قبول ندارم، من قانون اساسی را قبول ندارم، من مجلس را قبول ندارم، من رئیس جمهور را قبول ندارم، من دولت را قبول ندارم. نه! همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو برخلاف رای شما

باشد. باید پذیرید، برای این که میزان اکثریت است؛ و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه باید بپذیریم»^۱

در منابع دینی ما هم به این مقوله بسیار زیاد پرداخته شده است که به بخشی از آن ها اشاره خواهیم کرد

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ.^۲

پس [یوسف] پیش از [بررسی] بارِ برادرش، شروع به [بررسی] بارهای [دیگر] برادران کرد، آن گاه آبخوری پادشاه را از بار برادرش بیرون آورد. ما این گونه برای یوسف چاره اندیشی نمودیم؛ زیرا او نمی توانست بر پایه قوانین پادشاه [مصر] برادرش را بازداشت کند مگر اینکه خدا بخواهد [بازداشت برادرش از راهی دیگر عملی شود].

روایات:

۱. اهمیت احترام به قانون

قال النبی: و حدّ یقام فی الارض ازکی من عبادة سنه^۳

و حدی که در زمین اقامه شود، پاکیزه تر از عبادت يك سال است.

۱. روح الله خمینی صحیفه امام ج ۱۴ ص ۳۷۸

۲. یوسف ۷۶

۳. محمد رضا حکیمی و دیگران، الحیاة / ترجمه احمد آرام، ج ۲؛ ص ۶۷۲.



۲. آثار بی احترامی به قانون

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ نَهَى عَنِ الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُودِ وَقَالَ مَنْ شَفَعَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيُبْطِلَهُ وَسَعَى فِي إِبْطَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى عَذَّبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله از شفاعت در حدود نهی کرد و فرمود: «هرکس در حدّی از حدود خدا شفاعت کند تا آن را باطل سازد و تلاش در ابطال حدود الهی کند، خداوند او را در قیامت عذاب خواهد کرد

۳. تساوی در برابر قانون

يَا أَيُّهَا النَّاسُ الْإِنِّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنِّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا، لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِي وَ لَا أَعْجَمِي عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى. أَلَا هَلْ بَلَغْتَ؟ - لِيُبْلَغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ^۲

ای مردم! آگاه باشید که پروردگارتان یکی است و پدرتان یکی است. بدانید که نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب، و نه سیاه بر سفید و نه سفید بر سیاه برتری دارد، مگر به تقوا. آیا پیام را رساندم؟ حاضران به غایبان برسانند.

۱. نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام: ج ۲؛ ص ۴۴۳

۲. محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی: ج ۱۶، ص ۳۴۲



بیانات رهبری:

فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمیت دارد. مثلاً در حوزه اجتماعی، قانون‌گرایی — که مردم به قانون احترام بگذارند — یک فرهنگ است؛ تعاون اجتماعی یک فرهنگ است؛ تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند^۱

سیره شهدا:

حاج حسین خرازی می‌خواست بره فلو. ماشین رو برداشت و رفت...

ساعتی بعد دیدم داره پیاده برمی‌گرده. گفتم: چی شد؟ چرا نرفتی؟ ماشینت کو؟

حاجی گفت: داشتم رانندگی می‌کردم که اطلاعیه‌ای از رادیو پخش شد؛ مثل اینکه مراجع تقلید فرمودند، رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی حرامه، منم یه دستم

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۳، بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱



قطع شده و رانندگی کردنم با یک دست خلاف قانونه، تا این حکم رو از رادیو شنیدم، ماشین رو زدم کنار جاده؛ برگشتم تا به راننده پیدا کنم منو بیره فو...^۱

۳. اطاعت پذیری

در آموزه های دینی وقتی انسان به برخی از واژه ها برخورد می کند و می خواهد آن ها را با جوامع امروزی تطبیق دهد ناخود آگاه ذهن انسان به سمت برخی از ارگان ها و سازمان ها می رود که این واژه ها در آن ها بیشتر نمود پیدا کرده است یکی از آن واژه ها اطاعت پذیری می باشد که شاید بیشتر در ارگان های نظامی کاربرد آن بیشتر از بقیه سازمان ها باشد ولی در واقع این گونه نمی باشد زیرا بعد از بررسی مواردی از دیدگاه معصومین اهمیت فراوانی برای اطاعت پذیری از ما فوق لحاظ شده است و همه ما را در هر پست و مقامی که باشیم به این سمت سوق داده اند که اطاعت از مافوق خودمان را داشته باشیم و از فرمان او سرپیچی نکنیم و اطاعت کردن به مراتب بالاتر کشیده می شود تا به خداوند متعال برسد که بر همه عوالم احاطه دارند و همه باید در برابر آفریدگار خود سر تعظیم فرود بیاورند و سعی کنند که از دستورات او سرپیچی نکنند.

به همین خاطر در متون اسلامی به اهمیت اطاعت پذیری بسیار سفارش شده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۱



ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می باشند] اطاعت کنید.

روایات:

۱. اهمیت اطاعت

قال ابو جعفر: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنْدَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ

امام باقر فرمودند: اسلام بر پنج پایه استوار است: بر پا داشتن نماز، روزه ماه مبارک رمضان، دادن زکات، حج خانه خدا (کعبه)، و ولایت (و قبول امامت) ما خاندان رسالت

۲. آثار اطاعت

قال ابو عبد الله: الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ؛ مُحِبٌّ وَأَوْفُوهُوَ مِمَّا وَمُتَزَيِّنٌ بِنَا وَنَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيْنَ بِنَا، وَمُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسَ وَمِنْ اسْتَأْكَلِ بِنَا إِفْتَقَرَ^۲

شیعه سه گروه هستند: دوستدار عمیق [اهل بیت]. پس او از ماست. [گروهی که] به وسیله ما زینت می یابد و ما [نیز] زینت هستیم برای کسی که به وسیله ما زینت یابد. [سوم، گروهی که] به وسیله ما از مردم می خورد [و ما را وسیله درآمد زندگی خود قرار می دهد] و کسی که به وسیله ما امرار معاش کند، فقیر می شود

۱. نساء ۵۹

۲. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال: ج ۱؛ ص ۱۰۳



۳. راهکار اطاعت پذیری

قال امیر المومنان: أَطِيعْ مَنْ فَوْقَكَ يُطِيعَكَ مَنْ دُونَكَ وَ أَصْلِحْ سَرِيرَتَكَ يُصْلِحِ اللَّهُ عَلاَئِقَتَكَ^۱

فرمان بر کسی را که بالاتر از تو باشد تا فرمان برد تو را کسی که پست تر از تو باشد و اصلاح کن نهان خود را تا اصلاح کند خدا آشکار تو را

۴. آفات اطاعت نداشتن

قال امیرالمومنان: آفَةُ الْجُنْدِ مُخَالَفَةُ الْقَادَةِ^۲

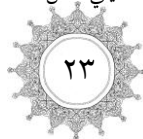
آفت لشکری مخالفت کردن سرداران است

بیانات رهبری:

در روایت دارد که در هر سفری که پیامبر اکرم(ص) سه نفر را میفرستادند، یکی را بر آن دو نفر دیگر امیر میکردند؛ «فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ». امیر قرار میداد، یعنی چه؟ یعنی هرچه او گفت، امرش برای اینها واجب الاطاعه است. فرق اسلام با غیراسلام این است که در غیراسلام - در بساط طاغوت - آن کسی که امیر شد، اگر وقت غذا رسید، میگوید چربترش را جلوی من بگذارید! وقت غذا پختن هم که میشود، میگوید من امیرم، پس شما چه کاره‌اید، بروید ظرفها را بشوید، غذا را هم خودتان درست کنید! در

۱. محمد بن عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم: ص ۳۴۵

۲. علی بن محمد لبی و اسطی، عبون الحکم و المواعظ (للربی): ص ۱۸۲



اسلام، این طور نیست. امیر و غیر امیر، غذا را با هم میخورند؛ گرسنگی هم باشد، با هم میکشند؛ کار هم باشد، با هم تقسیم میکنند؛ اما هرچه او گفت، باید آنها عمل کنند. اطاعت از دستور فرمانده، واجب است؛ حکم عقل و شرع و تجربه است.^۱

سیره شهدا:

نیروهای ما در عملیات خیبر به دونقطه حساس دشمن حمله کردند یکی منطقه دجله و دیگری جزایر خیبر . پس از یک هفته جنگیدن بدلیل مشکلات در مهمات رسانی و نبودن آتش توپخانه ناچار به عقب نشینی شدیم و تنها جزایر خیبر دست ما بود در روز هفتم نبرد، احمد آقا فرزند حضرت امام (س) تلفنی پیام حضرت امام را به من دادند که به فرماندهان سپاه بگوئید جزایر خیبر را باید حفظ کنند من به اولین کسی که بی سیم زدم احمد کاظمی بود به محض اینکه احمد کاظمی پیام امام را از من شنید گفت چشم چشم. از آن طرف دشمن چندین شبانه روز به صورت مستمر به جزایر حمله می کرد و آتش می ریخت ولی احمد کاظمی مقاومت می کرد پس از دو هفته مقاومت که به قرار گاه مرکزی آمد سر و صورتش خاک گرفته از دود آتش خمپاره سیاه شده بود بسیار خسته و ژلیده بود او را بغل کردم و بوسیدم و گفتم احمد تو خیلی زحمت کشیدی . احمد کاظمی در جواب گفت وقتی پیام امام ره را به من دادید من همه نیروهایم را صدا زدم و گفتم اینجا عاشورا است باید به هر قیمتی شده جزیره را حفظ کنیم و خود هم رفتم خط مقدم و کنار رزمندگان جنگیدم^۲

۱. سید علی خامنه ای ، حدیث ولایت ، ج ۱۳۶۹، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه ۲۹/۰۶/۱۳۶۹

۲. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تهران ۱۳۸۰ ص ۲۳



۴. انتقاد پذیری

یکی از نیازهای امروزه سازمان ها این می باشد که سازمان ها خودشان را در معرض سنجش و ارزیابی قرار دهند و در سایه این سنجش و ارزیابی دیگران بتوانند خودشان را رشد فزاینده ای دهند و کاستی ها را به فرصت ها تبدیل کنند.

یک مجموعه ممکن است در برخی از مواقع نقد و جای کار داشته باشد که با رعایت این نقود می تواند رشد فزاینده ای داشته باشد و گاهی این افراد که اهل نقد هستند در یک سازمان هستند که ممکن است نقدهایی را هم وارد کنند و وظیفه ما کارکنان این می باشد که خود را به این بلوغ عاطفی برسانیم که هر انسانی ممکن است خطاهایی را داشته باشد و می تواند با سعی و تلاش هر چه بیشتر آن ها را رفع کند و این نقد ها را به عنوان یک هدیه از دیگران قبول کنیم و تا می توانیم آن ها را برطرف کنیم همان طور که امام صادق علیه السلام در یک روایت بسیار زیبا کسانی که را که عیوب را به ایشان تذکر می دهند از بهترین دوستان خود می دانند «الإمام الصادق علیه السلام: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»^۱ امام صادق علیه السلام: دوست داشتنی ترین دوستان من ، کسی است که عیب هایم را به من هدیه دهد .» و احتمالاً حضرت با این بیان خواسته اند اطرافیان خود را به این مساله برسانند که هر شخصی ممکن است که در درون خود عیب هایی را داشته باشد که می تواند با برطرف کردن آن ها بهترین افراد باشد و روح خود را به مرتبه اعلی برساند.

^۱ اصول کافی ج ۲ ص ۶۳۹



و این مطلب در حالی است که با وجود خلقت انسان فرشتگان هم به خداوند متعال نقد داشته اند و خداوند بسیار زیبا جواب نقد های آن ها را می دهد :

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۱

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد، و خون ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیس می پردازیم.» فرمود: «من چیزی می دانم که شما نمی دانید.»

روایات :

۱. مفهوم انتقاد:

طوبى لِمَنْ أَطَاعَ نَاصِحًا يَهْدِيهِ وَ تَجَنَّبَ غَاوِيًا يُؤْدِيهِ^۲

خوشا به سعادت کسی که از خیرخواهی که او را هدایت می کند، اطاعت نماید و از گمراهی که به هلاکتش می اندازد، دوری کند.

۲. خود انتقادی داشتن:

۱. بقره ۳۰

۲. غرر الحکم، ح ۵۹۴۴.



لَمَّا وَرَدَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ^۱

خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش، وی را از عیب دیگران باز دارد!

۳. ادب انتقاد:

اسْتَصْبَحُوا مِنْ شُغْلَةٍ وَاعِظْ مُتَعِظٍ وَاقْبَلُوا نَصِيحَةَ نَاصِحٍ مُتَبَقِّظٍ وَفُتُوا عِنْدَ مَا أَفَادَكُمْ مِنَ التَّعْلِيمِ.^۲

از فروغ و اعظ و پند دهنده ای که خود، پندپذیر است، روشنایی بگیرید و نصیحت نصیحتگر موعظه پذیر را پذیرا باشید!

۴. نقد مخفی باشد:

النصح بين المأثورين^۳

نصیحت و خیرخواهی آشکارا و علنی نوعی سرکوب به شمار می رود

بیانات رهبری:

شما میتوانید سازنده ای اخلاق باشید؛ عکسش هم ممکن است. شما میتوانید در نسل جوان این کشور صبر، امید، شوق، انگیزش، سلامت، نجابت و همه ی چیزهایی

۱. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، ج ۱، ص ۱۲۰

۲. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للثی)، ۱ جلد ص ۹۲

۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۱



که یک جامعه‌ی پیشرفته نیاز دارد، القاء کنید. میشود هم به جای امید، نومییدی القاء کرد؛ میشود به جای شوق، رکود القاء کرد. «انتقاد» که دوستان ذکر میکنند و به تعبیر این دوستان میگویند انتقادگری «نق نقو» تلقی نشود؛ نه، انتقاد، نق نق نیست؛ انتقاد - معنای لغوی انتقاد را نمیخواهیم بگوییم - یعنی همان عیب‌جویی. منظور از انتقادی که ممکن است نق نقو بودن از آن تلقی شود؛ یعنی عیب‌جویی کردن. دو نوع عیب‌جویی ممکن است؛ الان من و شما روبه‌روی هم نشسته‌ایم، خیلی آزادانه میتوانیم از هم عیب‌جویی کنیم؛ شما هم از من عیب‌جویی کنید، من هم از شما عیب‌جویی کنم. منتها این عیب‌جویی دو نوع است؛ یک وقت عیب‌جویی جنبه‌ی تحقیر، اهانت، طرف را به خاک سیاه نشاندن، از طرف انتقام گرفتن و چهره‌ی او را در نظر دیگران زشت کردن است و این کار در هیچ عرف نجیبانه‌ای - نمیگویم اسلامی - ممدوح نیست. یک وقت هم نه، هدف از انتقاد، دلسوزی است، تکمیل است، برطرف کردن عیب است و آینه‌وار نمودن عیب شخص یا نظام یا مدیر یا مردم به خود آنهاست و این ممدوح است. ممکن است این هم به نظر شنونده تلخ باشد؛ اما این تلخی، تلخی گوارایی است. این هیچ ایرادی ندارد.^۱

سیره شهدا:

همسر شهید حمید باکری می‌گوید: اول زندگی قرار گذاشتیم که ایرادهای همدیگر را در دفتری بنویسیم که هرکسی ضعف خودش را بخواند و جواب بدهد یا عذرخواهی

۱. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۵، بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون ۱۳۸۵/۳/۲۳



کند. آن دفتر تقریباً همیشه با ایرادهای من پر می‌شد، با وجود این، حمید می‌گفت: تو به من بی‌توجهی، چرا ایرادهای مرا نمی‌نویسی؟^۱

۵. تکلیف گرایی

تکلیف به معنی وظیفه‌ای می‌باشد که در برابر حقوق دیگران بر عهده افراد قرار گرفته است. انسان باید بتواند به بهترین شکل آن را انجام دهد. در یک سازمان هم افراد با توجه به تعهدی که نسبت به یک سازمان دارند باید بتوانند تکالیف خود را به بهترین شکل انجام دهند که شاید بهترین و بیشترین تکلیفی که برای آن‌ها قرار داده شده است این می‌باشد که به وظایفی که بر عهده ما هست را به خوبی انجام دهیم همانطور که حضرت امام خمینی (ره) در کلامی به این مطلب اشاره دارند «و علی‌ای حال، چه او رفتنی باشد چه نرفته‌نی باشد، ما یک تکلیف داریم ادا می‌کنیم. ملت ما، ارتش ما، سپاه ما و همه قوای مسلحه ما یک تکلیف ادا می‌کنند. این مثل این است که گفته بشود که اگر فلانی رفت و فلانی رفت، مردم نماز نمی‌خوانند. تکلیف است، به رفتن کسی مردم دست از نمازشان برنمی‌دارند، به رفتن کسی نمازشان را، حششان را دست از آن برنمی‌دارند.»^۲

۱. حبیه جعفریان، حمید باکری به روایت همسر شهید: ص ۳۴

۲. روح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰ ص ۱۵۰

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ^۱

ای بنی اسرائیل! نعمت های مرا که به شما عطا کردم، یاد کنید و به پیمانم [که سفارش به عبادت و ایمان به همه انبیا به ویژه پیامبر اسلام است] وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که توقع ثواب و پاداش در برابر عبادت و ایمان است] وفا کنم، و [نسبت به پیمان شکنی] فقط از من بترسید.

روایات:

۱. مفهوم

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا كَلَّفَ اللَّهُ الْعِبَادَ فَوْقَ مَا يُطِيقُونَ - فَذَكَرَ الْفَرَائِضَ وَ قَالَ: إِنَّمَا كَلَّفَهُمْ صِيَامَ شَهْرِ مِنَ السَّنَةِ وَ هُمْ يُطِيقُونَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ^۲

خداوند، بندگان را بیش از توانشان تکلیف نکرده است. حضرت سپس واجبات را نام برد و فرمود: آنان را به گرفتن يك ماه روزه در سال مکلف کرده، در حالی که توانایی بیشتر از این را دارند.

۲. اقسام تکلیف

۱. بقره ۴۰

۲. محمد بن الحسن طوسی، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان): ج ۴، ص ۱۵۴



عَنْ سَدِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ إِنِّي تَرَكْتُ مَوَالِيكَ مُحْتَخِلِينَ يَتَّبِرُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَ فَقَالَ وَ مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ إِنَّمَا كَلَّفَ النَّاسُ ثَلَاثَةَ مَعْرِفَةِ الْأَيِّمَةِ وَ التَّسْلِيمِ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.^۱

سدیر گوید: بامام باقر علیه السلام عرضکردم: من دوستان شما را در حالی ترک گفتم (و بسوی شما آمدم) که اختلاف داشتند و از يك دیگر بیزاری می جستند، فرمود: ترا با وضع آنها چکار؟ همانا مردم سه تکلیف دارند: شناختن ائمه و تسلیم بودن در برابر آنها و ارجاع اختلافات خود را بایشان.

۳. تکلیف به اندازه

قَالَ ع النَّاسُ فِي الْقُدْرَةِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ فَقَدْ وَهَنَ اللَّهُ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ هَالِكٌ وَ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ أَجَبَرَ الْعِبَادَ عَلَى الْمَعَاصِي وَ كَلَّفَهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ فَقَدْ ظَلَمَ اللَّهُ فِي حُكْمِهِ فَهُوَ هَالِكٌ وَ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ كَلَّفَ الْعِبَادَ مَا يُطِيقُونَهُ وَ لَمْ يُكَلِّفَهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَهُ فَإِذَا أَحْسَنَ حَمْدَ اللَّهِ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ فَهَذَا مُسْلِمٌ بِالْغَيْ.^۲

مردم در مسأله «قدرت» سه دسته اند: برخی خیال می کنند کارها بدانها واگذار شده (و خود را بدون احتیاج به خدا بر هر کار قادر می دانند) اینها قدرت خدا را سست شمرده اند و اهل هلاکتند، جمعی گمان دارند که خدا بندگان را به گناه مجبور ساخته و (بشر هیچ اختیاری ندارد و در عین مجبوری مکلف به ترك گناه است و خدا) بار

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامیة): ج ۱، ص ۳۹۰

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص: ص ۳۷۱



تکلیفی که نتوانند کشید به دوششان نهاده اینان در این قضاوت خدا را ظالم شمارند و اهل هلاکتند، و گروهی معتقدند خداوند بر حسب طاقت تکلیف کرده، و بیش از قدرت تحمیل ننموده، و اگر نیکی کنند باید شکرش گویند و اگر بد کنند آمرزش خواهند، اینها مسلمان بالغند.

بیانات رهبری:

یک سؤال دیگر این است - که اینجا هم باز بعضی از دوستان گفتند - که رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن» چیست؟ امام فرمودند: ما دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟ چطور میشود چنین چیزی را گفت؟ امام بزرگوار که با آن شدت، با آن حدّت، در سنین کهولت، این همه سختی‌ها را دنبال کرد، برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد، میشود گفت که ایشان دنبال نتیجه نبود؟ حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضدتکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ و الا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج بودند. مگر میشود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟ نه. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، برطبق تکلیف عمل میکند، اگر یک وقتی هم به نتیجه‌ی مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمیکند؛ خاطرش جمع است که تکلیفش را انجام داده. اگر انسان برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل نکرد، وقتی نرسید، احساس خسارت خواهد کرد؛ اما آن که نه، تکلیف خودش را انجام داده، مسئولیت خودش را انجام داده، کار شایسته و بایسته را انجام داده است و همان طور که قبلاً گفتیم، واقعیتهای را ملاحظه کرده و دیده است و بر طبق این واقعیتهای برنامه‌ریزی و کار کرده، آخرش هم به نتیجه

نرسید، خب احساس خسارت نمیکند؛ او کار خودش را انجام داده. بنابراین، این که تصور کنیم تکلیف‌گرایی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست.

در دفاع مقدس و در همه‌ی جنگ‌هایی که در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم‌السلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد میشدند، برای تکلیف هم حرکت میکردند. جهاد فی سبیل‌الله یک تکلیف بود. در دفاع مقدس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود؛ آن کسانی که وارد میشدند، اغلب احساس تکلیف میکردند. اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه‌ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ اینجور نیست. بنابراین تکلیف‌گرایی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می‌آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راههای مشروع و میسر، برنامه‌ریزی کند.^۱

سیره شهدا:

سید همیشه پا به رکاب بود. اکثر مواقع لباس سبز نظامی با کلاهی کج تنش بود و به سبک داش مشتی ها یقه اش را باز می گذاشت و یک تسییحی هم گردنش آویزان می کرد. شب ها من که می خواستم ساعت ۱۰ به خانه بروم، می گفتم خیالت راحت من

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۲، بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۲/۵/۶



هستم. تا صبح به کمیته های دیگر هم سرکشی می کرد و گزارش جامعی ارائه می کرد. یک بار گفتم: آقا مجتبی! رضایت بده و این پوتین و لباس را از تن در بیاور. گفت: به جدم قسم! تا زمانی که صدام هست و تکلیف جبهه مشخص نشده، حتی دم مغازه هم با همین لباس می روم و فروشنده می کنم. آخر هم به خاطر روحیه اش نتوانست در شهر بماند. رفت سر وقت جنگ و گروه فدائیان اسلام را راه اندازی کرد.^۱

۶. تواضع

تواضع و فروتنی یکی دیگر از خصلت های پسندیده و از ارزش های اخلاقی در فرهنگ اسلامی است که در تمام جوامع می تواند مفید باشد، به خصوص در سازمان ها که سبیل عملی ارزش های اسلامی هستند و هر کدام از کارکنان یک سازمان وقتی به پست و مقامی رسیدند نباید خود را برتر و جایگاه خود را رفیع تر از دیگران بدانند بلکه باید این را به خود بقبولانند که این مقام ها و پست ها در واقع فرصتی برای خدمت بیشتر و بهتر به هم نوعان خودشان می باشد. و سعی کنند که هرچه مقام و رتبه آن ها در جایگاه سازمانی بالاتر می رود تواضع آن ها بیشتر بشود تا دیگر افراد این گمان را نبرند که ایشان می خواهند از مقام خود سوء استفاده را ببرند. در کلامی از حضرت رسول در این مورد این گونه آمده است که « أَنَّهُ قَالَ سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ^۲ پیشوا و رئیس هر گروهی، خادم آن گروه است» که در شرح این حدیث و بیان معنای این سخن نیکو رهبر

۱. محمد عامری، آقا مجتبی، خاطراتی از شهید سید مجتبی هاشمی: صفحه ۸

۲. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳



انقلاب اینگونه بیان کرده اند که « [این حدیث] یا به این معنا است که هر کسی بیشتر خدمت کند، این شخص اولای به سیادت است؛ بنابراین برای اینکه بفهمیم سید قوم کیست، سراغ حسب و نسب و اسم و عنوان نرویم؛ بلکه برویم سراغ اینکه ببینیم چه کسی بیشتر به این قوم خدمت می‌کند، او سید قوم است؛ یا به این معنا است حدیث؛ یا به این معنا است که بگوییم آن کسی که سید قوم است و به هر جهتی و به هر دلیلی به او سیادت و ریاست داده شده است در این جمعیت، این شخص باید خادم این قوم باشد. اینکه گاهی تعبیر می‌شود که «مسئولین نوکر مردم هستند»، بعضی ایراد می‌کنند که آقا این کلمه‌ی «نوکر» را نگویند. خب این کلمه‌ی پیغمبر است دیگر، خادم یعنی نوکر.» و تمامی این سخنان به این معناست که مقام رتبه نباید ما را گول بزند که تواضع خود را فراموش کنیم. همان طور که سعدی در گفتار خود این گونه بیان کرده است:

تواضع ز گردن فرازان نکوست

گدا، گر تواضع کند خوی اوست

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^۱

برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند بال خود را فرو گستر.

روایات:

۱. اهمیت تواضع



رسول خدا (ص) فرمود: مَالِي لَا أَرِي عَلَيْكُمْ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ؟! قَالُوا وَ مَا حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ قَالَ التَّوَاضُّعُ.^۱

چه می شود که شیرینی عبادت را در شما نمی بینم؟ عرض کردند: شیرینی عبادت چیست؟ فرمود: تواضع است!

۲. آثار تواضع

امام صادق علیه السلام: إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَئِينَ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ.^۲

در آسمان دو فرشته بر بندگان گماشته شده اند پس هر کس برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هر کس تکبر ورزد او را پست گردانند.

۳. عوامل تواضع

قال اميرالمومنين: ثَلَاثَةٌ يُوجِبْنَ الْمَحَبَّةَ الدِّينَ وَ التَّوَاضُّعَ وَ السَّخَاءُ^۳

سه چیز موجب محبت می گردد، دین، تواضع و فروتنی و سخاوت و بخشش.

۱. مسعود بن عیسی ورام، مجموعه ورام / ترجمه عطائی: ج ۱ ص ۳۷۴

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی (ط-الاسلامیه): ج ۲، ص ۱۲۲

۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱ ص ۲۵۰

بیانات رهبری:

تلاوت قرآن، توجه به معارف و معانی قرآن، احساس وظیفه‌ی شکر در مقابل پروردگار، خضوع در مقابل خدای متعال، خشوع قلب، خشوع در مقابل ملت و تواضع، معیارها و ملاکهای کارهای من و شماست. باید اینها را رعایت کنیم. این، یعنی تو میدان بودن ما، یعنی کار کردن برای خدا، هوای نفس را در آن دخالت ندادن و خسته نشدن. که البته اگر برای خدا باشد، انسان احساس خستگی هم نمیکند.^۱

سیره شهدا:

یک روز مسؤول کارگاه شن و ماسه آمد پیش من، خیلی شرمنده، گفت: به آقای شهردار بی احترامی کرده، چه باید بکند که او را ببخشد. گفتم: مگر چه شده؟!

گفت: ما که نمی‌دانستیم شهردار است، آمد کارگاه به او بی‌اعتنائی کردیم، بعد مثل یک کارگر ایستاد و کار کرد، ما هم...

خیلی خودش را باخته بود.

گفتم: نگران نباش، آقای شهردار از این چیزها خم به ابرو نمی‌آورد.

گفت: مگر می‌شود؟!

گفتم اتفاقاً خیلی هم خوشحال است که آمده آن جا با شما کار کرده است...

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۵، بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲



گفت: باور کنم؟!

باور هم نکرد، به مهدی گفتم، مهدی برای همه‌شان تشویقی نوشت و خیالشان را راحت کرد که دل چرکین نیست.

به من گفت: ای کاش فهمیده باشند که برای ریاست نیامده‌ام، بلکه برای کار آمده‌ام.^۱

۷. تعهد کاری

افرادی که در یک سازمان مشغول به فعالیت هستند اگر بتوانند به خوبی وظایف خود را در آن سازمان انجام دهند می‌توانند بازدهی سازمان را بالا ببرند و این میسر نخواهد شد مگر با تعهد کاری که به یک سازمان دارند به این بیان که همه کارکنان با شور و اشتیاق خاصی مشغول به فعالیت باشند و کار در سازمان را به عنوان یک وظیفه برای خودشان تلقی کنند. و به این فکر نباشند که ممکن است در مقابل کارهایی که ما انجام می‌دهیم حقوق کافی را دریافت نکنیم بلکه باید تفکر جهادی در یک سازمان حکمفرما باشد و افراد سازمان باید با قوت کافی همه کارهای خود را انجام دهند.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا^۲

۱. اسفندیار مبینگر سلامی، شهرداران آسمانی، ص ۲۷

۲. اسرا آیه ۳۴



و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا [روز قیامت] درباره پیمان بازخواست خواهد شد.

روایات:

۱. مفهوم تعهد کاری

قال امیرالمومنین التَّفْرِيطُ مُصِيبَةُ الْقَادِرِ^۱

کوتاهی کردن، مصیبت شخص توانا [بر انجام کار] است.

۲. آثار تعهد کاری

وَقَالَ امیرالمومنین: ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ^۲

نتیجه کوتاهی در کار، پشیمانی است و نتیجه دور اندیشی، سالم ماندن [از خسارت و دریغ].

۳. نهی از تعهد نداشتن

فَلَوْ مَثَلْتَهُمْ لِعَقْلِكَ فِي مَقَاوِمِهِمُ الْمَحْمُودَةِ وَ مَجَالِسِهِمُ الْمَشْهُودَةِ وَ قَدْ نَشَرُوا دَوَاوِينَ
أَعْمَالِهِمْ وَ فَرَّغُوا لِمُحَاسَبَةِ أَنْفُسِهِمْ عَلَى كُلِّ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ أُمِرُوا بِهَا فَقَصَّرُوا عَنْهَا وَ نُهُوا
عَنْهَا فَفَرَّطُوا فِيهَا^۱

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ (لللیثی): ص ۴۳

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصّبحی صالح): ص ۵۰۲

آنان را در آن مقامات پسندیده و منزلتهایی که مشهود [فرشتگانِ مقرب] است در ذهن خود مجسم کن که چسان کار نامه هایشان را گشوده اند و برای هر کار خُرد و کلانی که بدان فرمان داده شده اند، اما در انجام آنها کوتاهی ورزیدند، یا از آن نهی شدند، اما در ترك آنها کوتاهی کردند، از خود حساب می کشند.

بیانات رهبری

عزیزان من! آنچه لازم است، «کار» و «تعلیم» است. معلّمین عزیز! باید جوانان را بسازید. باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم طلبی، پرورش دهید، نه با روحیه مدرک طلبی. مدرک چیست؟ مدرک به این عنوان که نشان دهد فردی دارای این معلومات است، خوب است؛ اما نمیتواند منشأ اثری شود. آنچه مهم است، علم است. علم و کار، برای جامعه لازم است. همه مردم و مسؤولین بدانند: این که من عرض کردم «وجدان کاری»، یک تعارف نیست. باید برنامه ریزی کنند. «وجدان کاری» باید فرهنگ عمومی مردم شود. باید اگر کسی کاری انجام میدهد، فکر کند که یک نفر بالای سرش ایستاده است؛ حتّی اگر تنها، در اتاقی خلوت باشد. کار باید کامل، محکم، قوی، ابتکاری و همراه با نیاز انجام گیرد. یکی از کارهایی که وجدان کاری لازم دارد، تعلیم و تربیت است. معلّم در کلاس درسِ مدرسه ای که تَه فلان شهر یا فلان گوشه دورافتاده تهران یا یک روستاست، باید آن طور درس بگوید، زحمت بکشد و تلاش کند که گویا الان بازرس در کلاس نشسته است، کار او را نگاه میکند، یا یک ساعت بعد می آید تا نتیجه کار را ببیند. وجدان کاری یعنی این. ما تعارف که نمیکیم!



عزیزان من! با تعارف که یک ملت نمیتواند آقایی خودش را حفظ کند! با تعارف که نمیشود با دشمنان غدار و خونخوار روبه‌رو شد! عمل، تلاش و برنامه‌ریزی لازم است. ما گفتیم: «وجدان کاری»، «انضباط اجتماعی» یا «انضباط اقتصادی». مسؤولین کشور، دولت، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس، باید برنامه‌ریزی کنند تا این کارها انجام گیرد، و آلا با این که تعریف کنند فلانی چه حرف خوبی زده، که کار تمام نمیشود!

سیره شهدا:

شهید حسن شاطری در مدتی که رئیس هیئت ایرانی بازسازی لبنان بود، کارهای ناممکنی را ممکن کرد. در کار یک شعار داشت و آن این بود که «بهترین کار با بیشترین زحمت در کمترین زمان. شرایطی را که بانک بین المللی با تأیید مجلس بازسازی و توسعه برای جاده‌ها و پل‌ها اعلام کرده بودند، نمی پذیرفت. می گفت: «ما باید جاده‌ای بسازیم که تا پنجاه سال ماندگار باشد. آنها می گفتند زیر سازی آسفالت ۲۰ سانتی متر و آسفالت روی کار دو تا چهار سانتی متر؛ برای عبور هشت الی نه میلیون اتومبیل. مهندس در ابتدای کار، آزمایشگاه مرکزی خاک شناسی را تأسیس کرد و از هر ۱۵۰ متر نمونه خاک برمی داشتند و طبق نتایج علمی زیر سازی می کردند. در بعضی مناطق زیر سازی تا ۷۰ سانتی متر انجام می شد. آن هم برای عبور ۲۰ میلیون اتومبیل. برای عایق سطح زیرین زیرسازی هم ماده به نام ژئوتکستال از ترکیه، ایران و یونان وارد می کردیم. آسفالت روی کار هم پنج سانتی متر بود. با همه این کارها هزینه تمام شده طرح‌ها، یک سوم هزینه‌هایی بود که چندین سال قبل انجام گرفته بود. شهید حسام می گفت: اگر



آمار و ارقام را اعلام کنیم و مردم بفهمند که طرح های قبلی با هزینه چند برابر و کیفیت پایین انجام شده رسوایی به بار خواهد آمد.^۱

۸. خدمت محوری

یکی از فعالیت هایی که هر سازمان باید آن را انجام دهد این است که خود و افراد درون مجموعه خود را خدمت محور تربیت کند و این باور را داشته باشند که باید برای پیشبرد هر چه بهتر کارهای خود به دیگران خدمت کرد و در سایه این خدمت رسانی می توان هم خود و هم سازمان را به اهداف عالی رساند . در برخی از مواقع این سخن هم زیاد شنیده می شود که عبادت به جز خدمت به خلق نیست و متأسفانه این عبارت بهانه ای شده است که برخی از افراد بخواهند از دستورات دینی خداوند پیروی نکنند و با این سخن سعدی عملکرد خود را به جای طاعات الهی بالا ببرند ولی در واقع این عملکرد نمی تواند جای طاعات الهی را بگیرد. استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می فرماید « [عده ای با گفتن این سخن] می خواهند ارزش عبادت را نفی کنند، ارزش زهد را نفی کنند، ارزش علم را نفی کنند، ارزش جهاد را نفی کنند، این همه ارزشهای عالی و بزرگی را که در اسلام برای انسان وجود دارد یکدفعه نفی کنند. می گویند: می دانید «انسانیت» یعنی چه؟ یعنی خدمت به خلق خدا. مخصوصاً بعضی از این روشنفکرهای امروز خیال می کنند به يك منطق خیلی عالی دست یافته اند و اسم آن منطق خیلی عالی را انسانیت و انسان گرایی می گذارند. انسان گرایی یعنی چه؟

۱. عبدالقدوس الامین، معمار محبت، خاطرات شهید حسن شاطری: ص ۲۰۰ و ۲۰۱



[می‌گویند:] یعنی خدمت کردن به خلق؛ ما به خلق خدا خدمت می‌کنیم. [می‌گوییم:] باید هم به خلق خدا خدمت کرد، اما خود خلق خدا چه می‌خواهد باشد؟ فرض کنیم شکم خلق خدا را سیر کردیم و تشنه را پوشانیدیم؛ تازه ما به يك حيوان خدمت کرده‌ایم. اگر ما برای آنها ارزش بالاتری قائل نباشیم و اصلاً همه ارزشها منحصر به خدمت به خلق خدا باشد و نه در خود ما ارزش دیگری وجود داشته باشد و نه در دیگران، تازه خلق خدا می‌شوند مجموعه‌ای از گوسفندها، مجموعه‌ای از اسبها. شکم يك عده حیوان را سیر کرده‌ایم، تن يك عده حیوان را پوشانده‌ایم. البته اگر انسان شکم حیوانها را هم سیر کند به هر حال کاری کرده است، ولی آیا حد اعلای انسان این است که در حیوانیت باقی بماند و حد اعلای خدمت من این است که به حیوانهایی مثل خودم خدمت کنم و حیوانهایی مثل خودم هم حد اعلای خدمتشان این است که به حیوانی مثل خودشان - که من باشم - خدمت کنند؟! نه، خدمت به انسان [ارزش والایی است] ولی انسان به شرط انسانیت. همیشه این حرف را گفته‌ایم: لومومبا انسان است، موسی چومبه هم انسان است. اگر بنا باشد فقط مسئله خدمت به خلق مطرح باشد، موسی چومبه يك خلق است و لومومبا هم يك خلق دیگر، پس چرا میان اینها تفاوت قائل می‌شوید؟ چه فرقی است میان ابوذر و معاویه؟ پس اینکه انسانیت یعنی خدمت به خلق و هیچ ارزش دیگری مطرح نیست، باز يك نوع افراط دیگری است.»^۱

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ^۲

^۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۲۳ ص ۱۱۷

^۲. مریم ۳۱



و هر جا که باشیم بسیار بابرکت و سودمندم قرار داده

روایات:

۱. اهمیت خدمت محوری

فقه الرضا علیه السلام تَزْوِي الْخَلْقِ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُرُورًا وَمَسَىٰ مَعَ أَخِيهِ فِي حَاجَتِهِ^۱

مردم عائله و جیره خواران خداوندند. محبوب ترین مخلوقات نزد خدا کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده ای را خوشحال کند

۲. آثار خدمت محوری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَغْضَنٍ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ.^۲

بنده ای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمانان برداشت، اهل بهشت شد.

۳. پیامد های عدم خدمت

۱. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار الجامعة: ج ۷۱؛ ص ۳۰۷

۲. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار الجامعة: ج ۷۲؛ ص ۴۹



عَنِ الْحَسَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ شَكَّوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع الْحَاجَّةَ وَ جَفَاءَ
الْإِخْوَانِ فَقَالَ بِنَسِ الْأَخْ أَخْ يَزَعَاكَ غَنِيًّا وَ يَقْطَعُكَ فَقِيرًا ثُمَّ أَمَرَ غُلَامَهُ فَأَخْرَجَ كَيْسًا فِيهِ
سَبْعُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَالَ اسْتَنْفِقْ هَذِهِ فَإِذَا نَفَدَتْ فَأَعْلِمْنِي^۱

حسن بن کثیر می گوید که نزد امام باقر (ع) از جفای دوستان و برآورده نکردن حاجات شکایت کردم. حضرت فرمود: بد برادری است؛ برادری که در حال پولداری مراعاتت کند و در حال فقر و ناداری (تو) با تو قطع رابطه کند. سپس به غلامش دستور داد کیسه ای به مبلغ هفتصد درهم به او بدهد، و فرمود: هر گاه تمام کردی به من خبر بده.

بیانات رهبری:

آنچه که مربوط به شما برادران و خواهرانِ عزیزی است که مسئولان این کشور اسلامی هستید، این است که قدر این ملت را بدانید. ملت ما ملت بزرگ، شجاع، مؤمن و باصفا و با اخلاصی است. قدر این ملت را بدانید؛ قدر خدمت به این ملت را بدانید؛ قدر خدمتگزار این ملت بودن را بدانید که افتخار بزرگی است. مسئولیتها را قبول کنید برای خدمتگزاری به این ملت، برای نوکری این ملت؛ و این افتخار است. این ملت بزرگ، این ملت مؤمن و این ملتی که توانست با مجاهدت خود، با صبر خود، با آگاهی و هوشیاری خود و با روحیهی بالای خود، به دنیای اسلام روحیه بدهد. خود شما هم جزو همین ملتید. در فضائل این ملت شما هم شریکید. اما امروز مسئولید. امروز

۱. محمد بن محمد مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج ۲، ص ۱۶۶



بارهایی بر دوش گرفته‌اید که باید از عهده‌ی آنها بر آیید. اخلاص، جدّ و جهد، خستگی‌ناپذیری، بی‌طمعی و ترجیح دادن مصالح عمومی بر مصالح شخصی را در عمل، راهنمای خودتان قرار دهید. این عمل شماسست؛ این عبادت شماسست؛ این بزرگترین عبادتهاست.^۱

سیره شهدا:

از منطقه داشتیم برمی گشتیم شهر، در آن سرمای زمستان یک مرد کرد با زن و بچه اش کنار جاده ایستاده بودند. علی آقا تا آنها را دید زد روی ترمز و رفت طرفشان می گفت: «می خواستم بروم کرمانشاه»

علی پرسید: «رانندگی بلدی؟»

گفت: بله.

مرد کرد نشست پشت فرمان و زن و بچه اش کنارش و ما هم رفتیم پشت ماشین. باد و سرما می لرزاند مان .

لجم گرفت و گفتم «آخر مگر این آدم را می شناسی که به او اعتماد کردی؟»

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۵، بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲



در حال لرزش خنده ای کرد و گفت: بله! می شناسمش. این ها از همان کوخ نشینانی هستند که امام فرمود به تمام کاخ نشینان شرف دارند. تمام سختی های ما به خاطر این هاست.^۱

۹. خوشرویی با ارباب رجوع

در یک سازمان افرادی که مشغول به فعالیت هستند باید خود را موظف به این امر نمایند که با ارباب رجوع به نیکی و خوبی رفتار نمایند تا ارباب رجوع در این برخورد ها بتواند به راحتی تمامی مشکلات خود را بیان کند و سازمان را پناهگاه خود بداند و در آن جا احساس امنیت و آسایش نماید. نه این که با توجه به بدرفتاری برخی از کارمندان به خاطر برخی از مشکلات با ارباب رجوع بد رفتاری شود که بخواهد به تمامی سازمان ها بی اعتماد شود و باید مراقب مطلب باشیم که خوشرفتاری نه تنها با ارباب رجوع باید باشد بلکه با تمامی افراد که ما با آنها برخورد داریم باید باشد لذا در قرآن هم که ملاحظه کنیم خداوند می فرماید که اگر بخواهی بد اخلاق باشی مردم از تو دور می شوند و هیچ کس همراه تو نخواهد بود « وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ »^۲ و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند» و بسیاری از این که مردم در واقع احساس تنهایی می کنند این است که هنوز نتوانسته اند با دیگران خوش برخورد باشند

۱. سعید چیت سازیان، دلیل، ص ۹۹

۲. آل عمران ۱۵۹



قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ^۱

تو خویی عظیم و بزرگ داری .

روایات:

۱. ماهیت خوش رو بودن

امام باقر علیه السلام می فرماید:

تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ^۲

لبخند مرد در برابر برادر دینی اش، حسنه محسوب می شود.

۲. پیامد خوش رو نبودن

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَلَا بِمُحَمَّدٍ وَلَا بِعَلِيٍّ مَنْ إِذَا آتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ لَمْ يَضْحَكْ

فِي وَجْهِهِ

ایمان به خدا و پیامبر نیاورده است کسی که وقتی برادر دینی اش برای رفع حاجتی

نزد او آمد به او تبسم نکند.^۱

۱. قلم ۴

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی: ج ۲، ص ۱۸۸



۳. خوشرویی یکی از نعمت های خداوند

قَالَ ع لِجَابِرٍ يَا جَابِرُ مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ (فَإِنْ قَامَ بِمَا يَجِبُ لِلَّهِ مِنْهَا عَرَضَ نِعْمَتُهُ لِدَوَامِهَا وَإِنْ ضَيَّعَ مَا يَجِبُ لِلَّهِ فِيهَا عَرَضَ نِعْمَتُهُ لِزَوَالِهَا)^۲

امیر المومنین فرمودند: ای جابر! هر کس نعمت خدا بیشتر نصیبش شود، نیاز مردم به او بیشتر است. پس هر کس حق آن نعمتها را طبق رضای خدا ادا کند (و وظایفش را در باره نعمتهای موجودش انجام دهد)، نعمتهای خویش را ماندگار و پایدار ساخته است. و هر کس چنین نکند (و وظایف مالی و امکاناتی خود را انجام ندهد)، نعمتهای خدا داد را در معرض نابودی و زوال قرار داده است.

بیانات رهبری:

ممکن است یک نفر به شما مراجعه کند، اما شما نتوانید گرهی از کار او باز کنید. اگر نمیتوانید گره او را باز کنید، اقلاً با گره‌افزونی خودتان، گرهی بر کار او اضافه نکنید.

چو و نمیکنی گرهی، خود گره مشو

ابرو گشاده باش، چو دست گشاده نیست

اگر نمیتوانید کاری برایش انجام دهید، لااقل گشاده‌رو باشید و با خنده و تبسم و ملاطفت و با تبیین با او برخورد کنید. اگر مشکلتش حل نمیشود، لااقل دلیل آن را برایش

۱. عباس قمی، سفینه البحار، ماده هوج

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۳۲۵



تبیین کنید. برای این کار، آدم داشته باشید. ممکن است بگویید من خودم نمیرسم؛ اما شما باید آدم توجیه‌گر و تبیین‌کننده برای مراجع داشته باشید.^۱

سیره شهدا:

در دفتر فرماندهی سر و صدا به حدی رسید که فرمانده سپاه منطقه هفت از اتاقش بیرون آمد و جویای قضیه شد. مسئول دفتر گفت: "این سرباز تازه از مرخصی برگشته ولی دوباره تقاضای مرخصی دارد."

فرمانده گفت: "خب! پسر جان تو تازه از مرخصی آمدی همیشه دوباره بری." یک دفعه سرباز جلو آمد و سیلی محکمی نثار شهید بروجردی کرد. در کمال تعجب دیدم شهید بروجردی خندید و آن طرف صورتش را برد جلو و گفت: "دست سنگینی داری پسر! یکی هم این طرف بزن تا میزان بشه." بعد هم او را برد داخل اتاق. صورتش را بوسید و گفت: "ببخشید، نمی دانستم این قدر ضروری است. می گم سه روز برات مرخصی بنویسند."

سرباز خشکش زده بود و وقتی مسئول دفتر خواست مرخصیش را با کارگزینی هماهنگ کند گوشی را از دستش گرفت و گفت: "برای کی می خوای مرخصی بنویسی؟ برای من؟ نمی خواد. من لیاقتش را ندارم."

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۷۰، بیانات در دیدار مدیران و مسئولان استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۲



بعد هم با گریه بیرون رفت. بعدها شنیدم آن سرباز راننده و محافظ شهید بروجردی شده؛ یازده ماه بعد هم به شهادت رسید. آخرش هم به مرخصی رفت.^۱

۱۰. راز داری

یکی از اصولی که در هر سازمان رعایت آن واجب می باشد اصل رازداری و سر پوشانی می باشد که کارمندان یک سازمان باید خود را به این اصل پایبند بدانند و اگر در جایی مطلبی را در مورد یکی از همکاران خود یافتند آن را به عنوان یک سر و راز در نزد خود نگه دارند و افشا نکنند. و همچنین در برخورد با پرونده های ارباب رجوع هم این اصل را رعایت کنند زیرا اگر این اصل رعایت نشود خداوند هم کار می کند که آبروی ما برود چون آبرو و عرض برای خداوند دارای اهمیت بالایی است در روایت چنین داریم: «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَطْلُبُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثَرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ، وَمَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ يَقْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ^۲». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لغزشهای مسلمانان را نجوید که هر کس لغزشهای برادرش را پی جوید خداوند لغزشهای او را پیگیری می کند و هر که را که خداوند عیبجویی کند رسوایش می سازد هر چند در اندرون خانه خود باشد.» این که ما دوست نداریم آبرویمان برود نباید آبروی دیگران را هم ببریم و برای ما هم مهم باشد.

۱. سایت به یاد افلاکیان

۲. الکافی ج ۲ ص ۳۵۵



قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ [يعقوب] گفت ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می اندیشند زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.^۱

روایات:

۱. اهمیت رازداری

كُنْ بِاسْرَارِكَ بَخِيلًا وَلَا تُدْعِ سِرًّا أَوْدَعْتَهُ فَإِنَّ الْأَذَاعَةَ خِيَانَةٌ

امیر المومنین فرمودند: در خصوص اسرار خویش بخیل باش و رازی را که به نزد تو، به ودیعه نهاده شده است، پخش نکن زیرا پخش اسرار خیانت است.^۲

۲. مفهوم رازداری

قال رسول الله: إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الْحَدِيثَ ثُمَّ اتَّقَتْ فِيهِ أَمَانَةٌ^۳

هنگامی که شخصی سخنی با دیگری می گوید سپس به اطراف خود نگاه می کند (که دیگری آن را نشنود) آن بمنزله امانت است (و افشاء این سرّ همچون خیانت در امانت است)

۱. یوسف ۵

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم: ص ۳۲۰

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة: ص ۱۹۲



۳. پیامد امانت دار نبودن

قال رسول الله : يا أَبَاذَرٍّ أَلَمْ مَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ، وَ إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ^۱

جلسات خصوصی امانت است، و افشاء سرّ برادر مؤمن خیانت می باشد، از آن بپرهیز

بیانات رهبری:

کار پنهانی و تشکیلاتی به طور معمول در صورتی که با اصول درست پنهان کاری همراه باشد، باید همواره پنهان بماند. آن روز مخفی بوده، بعد از آن نیز مخفی می ماند و رازداری و کتمان صاحبانش نمی گذارد پای نامحرمی بدانجا برسد. هرگاه آن کار به ثمر برسد و گردانندگان و عاملانش بتوانند قدرت را در دست گیرند، خود، دقایق کار پنهان خود را برملا خواهند کرد. به همین جهت است که اکنون بسیاری از ریزه کاری ها و حتی فرمان های خصوصی و تماس های محرمانه ی سران بنی عباس با پیروان افراد تشکیلاتشان در دوران دعوت عباسی در تاریخ ثبت است و همه از آن آگاهند. بی گمان اگر نهضت علوی نیز به ثمر می رسید و قدرت و حکومت در اختیار امامان شیعه یا عناصر برگزیده ی آنان در می آمد، ما امروز از همه ی رازهای سربه مهر دعوت علوی و تشکیلات همه جاگسترده و بسیار محرمانه ی آن مطلع می بودیم.^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۷۴، صفحه ۸۹

۲. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۱، خطوط اصلی زندگی حضرت امام صادق علیه السلام ۱۳۹۱/۶/۲۱

سیره شهدا:

شهید علی ماهانی دلش ، صندوقچه اسرار بود . هیچ وقت نشنیدیم کسی حرف حساب نشده ای را به علی آقا نسبت داده باشد. رازدار همه بود . سنگ صبوری که دردها و مشکلات را می شنید و در خودش فرو می داد. پناهگاه امنی بود تا دوستان و نزدیکان در مواقع گوناگون در دامن صبر و حوصله و راهنمای اش آرام بگیرند . هر کس که به او رجوع می کرد، محال بود دلش آرام نگیرد. اگر قرار بود حرفی را بشنود و به کسی نگوید، به هیچ قیمتی نمی گفت.^۱

۱۱. سعه صدر داشتن

یکی از ویژگی های مهم مسئولین و کارکنان یک سازمان این می باشد که بتوانند سعه صدر داشته باشند و بتوانند به مدد آن بتوان موج های سنگین مشکلات را کنترل کرده و از موانع و سختی ها به آسانی عبور کنند. اگر یک مسئول و یا کارمند نتواند این توان را در خود ایجاد کند که در برابر مشکلات صبر نداشته باشد در مقابل هم نمی تواند به نحو خوبی کار های خود را مدیریت کند و در مواقع حساس تصمیم های درست بگیرد و همین کار باعث خواهد شد که به اهداف عالیه خود نرسد و به تبع آن سازمان هم نمی تواند به اهداف عالیه خود برسد و همه این ها برای این است که ما نتوانسته ایم به خوبی خود را مدیریت کنیم

۱. اصغر فکوری، روز تیغ ، ص ۱۱۸



قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ^۱

پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام می گشاید؛ و کسی را که [به خاطر لجاجت و عنادش] بخواهد گمراه نماید، سینه اش را چنان تنگ می کند که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود؛ خدا این گونه پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند، قرار می دهد.

روایات

۱. مفهوم سعه صدر

امیر المؤمنین علی علیه السلام: آلهُ الرَّئِاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ^۲

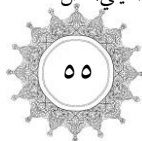
سعه صدر، ابزار ریاست است.

۲. آثار سعه صدر

عن ابا عبد الله: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَإِذَا أَعْطَاهُ ذَلِكَ أَنْطَقَ لِسَانَهُ بِالْحَقِّ وَعَقَدَ قَلْبَهُ عَلَيْهِ فَعَمِلَ بِهِ^۱.

۱. انعام ۱۲۵

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ (للشیخ)؛ ص ۱۸



امام صادق فرمودند: بدانید که وقتی خداوند خیر بنده ای را بخواند سینه اش را برای فهم اسلام گشاده می کند و به دنبال زبانش را برای بیان حق گویا می سازد و قلبش را برای حق محکم می سازد تا به حق عمل کند.

۳. راهکار سعه صدر

قال رسول الله : يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا دَخَلَ النُّورَ الْقَلْبُ انْفَتَحَ الْقَلْبُ وَ اسْتَوْسَعَ. قُلْتُ: فَمَا عَلَامَةُ ذَلِكَ، يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ، وَ التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ، وَ الْإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نَزْوِلِهِ.^۲

ای اباذر: هنگامی به قلب انسان داخل شد گسترده و باز می گردد! عرض کردیم ای رسول خدا نشانه آن چیست؟ نشانه آن توجه به سرای جاوید، و جدا شدن از سرای غرور، و آماده گشتن برای استقبال از مرگ پیش از نزول آن است.

بیانات رهبری

یک توصیه که توصیه ی مهمی است، این است که شما که بحمدالله ویژگی های خوبی دارید: انقلابی هستید، پرتلاش هستید، پرتوان هستید، دنبال کار هستید؛ این ویژگی ها را حفظ کنید، این ویژگی ها را تا آخر دوره نگه دارید. حالا «تا آخر عمر» باید گفت، اما لااقل تا آخر دوره این ویژگی ها را نگه دارید. خیلی ها بودند که در اوّل کار همین جور خصوصیات را داشتند، انقلابی بودند، پرتوان بودند، پُرانرژی بودند، با حرارت حرف میزدند، با حرارت کار میکردند، لکن به مرور زمان نتوانستند در مقابل

۱. محمد بن یعقوب کلینی الکافی: ج ۸ ص ۱۳

۲. محمد بن حسن طوسی، الأمالی (للطوسي): النص، ص ۵۳۲

وسوسه‌ها مقاومت کنند؛ وسوسه‌ی مال، وسوسه‌ی مقام، وسوسه‌ی شهرت، وسوسه‌ی نام و نشان. نتوانستند مقاومت کنند، راه کج شد، رفتار عوض شد، گاهی به ۱۸۰ درجه اختلاف با اول کار منتهی شد. لذا می‌بینید خدای متعال در قرآن میفرماید: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ؛ (۱) تَنَزَّلُ ملائکه‌ی رحمت الهی مال آن کسانی است که می‌ایستند پای این حرف: ثُمَّ اسْتَقَامُوا؛ استقامت میکنند، می‌ایستند. بایستید پای این ویژگی‌های خوب. خوب حالا برای اینکه بتوانیم خودمان را انقلابی نگه داریم باید چه کار کنیم؟ توصیه‌ی بنده این است که باید مراقبه کنیم، باید حساب‌کشی کنیم از خودمان. مراقبه‌ی دائمی لازم است. ما انسانها ضعیفیم، در معرض خطریم، در معرض لغزشیم؛ مراقب باشیم، مراقب خودمان باشیم. این مراقبت، در اصطلاح قرآنی و اسلامی، اسمش تقوا است؛ تقوا یعنی همین مراقبت دائمی از خود که دامن انسان گیر نکند به این خارهای دور و بر. خوب، یک توصیه این بود که به نظر من توصیه‌ی اصلی همین است.^۱

سیره شهدا

در قرارگاه رعد يك سالن جهت استراحت برادران بسیجي اختصاص داده بودند، که تا قبل از حرکت و آماده شدن اتوبوسها در آن سالن استراحت کنند و پذیرایی مختصري از آنها به عمل بیاید. شهید بابایی بیشتر وقتها به منظور هماهنگی برای عملیاتیهای برون مرزی به قرارگاه می‌آمد و اگر پرواز داشت تا آماده شدن هواپیما بیکار نمی‌نشست و از بسیجي ها و مجروحین جنگی پذیرایی و یا به مکانیسینهاي هواپیما کمک می‌کرد. يك

۱. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۴۰، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۴۰۰/۳/۶



روز عده ای برادران بسیجی با دو فروند هواپیمای «C-۱۳۰» به پایگاه آمده و در سالن مشغول استراحت بودند. من به قصد دیدن یکی از اقوامم می خواستم به داخل سالن بروم که شهید بابایی را با لباس بسیجی و یک سینی پر از چای در دست دیدم. به او سلام کردم و خواستم سینی چای را از دست ایشان بگیرم؛ ولی او گفت:

- من نوکر بسیجی ها هستم و افتخار می کنم که در خدمت آنها باشم. وقتی به داخل سالن رفتم، دیدم بسیجی ها با مسئولین خود گرداگرد هم نشسته اند. شهید بابایی سینی چای را در مقابل آنها می چرخاند و بسیجی ها گمان می کردند که او کارگر خدماتی قرارگاه است. استکانهای چای که در سینی بود تمام شد و شهید بابایی دریافت که به یکی از برادران چای تعارف نکرده است؛ به همین خاطر آن شخص که فراموش شده بود برخاست و در حالی که خشمگین به نظر می رسید با تندی به او اعتراض کرد و گفت:

- چرا جلوی من چای نگرفتی؟ شهید بابایی با لحن بسیار مؤدبانه دستی به سر او کشید و گفت:

- برادر جان! ببخشید متوجه نشدم. همین الان می روم و برایتان چای می آورم. آن بسیجی که فرد کم حوصله ای بود، شهید بابایی را هل داد؛ در نتیجه تعادل ایشان بر هم خورد و چند قدمی به عقب رفت؛ ولی خودش را کنترل کرد و با عذرخواهی، دوباره به طرف آشپزخانه رفت تا چای بیاورد. مسئولین که خود تماشاگر صحنه بودند ظاهراً شهید بابایی را شناختند و بی درنگ آن بسیجی را به بیرون از سالن دعوت کردند و در حالی که صدای اعتراض آنها به گوش می رسید، می گفتند:

- برادر؛ شما که به عنوان یک رزمنده و ایثارگر جهت اعزام به منطقه به اینجا آمده ای باید صبر و حوصله ات بیش از اینها باشد. نباید به خاطر یک استکان چای این گونه



معترض شوي. آیا مي داني او چه کسي بود؟ او سرهنگ بابايي معاون عملياتي نيروي هوايي بود. در همين حين شهيد بابايي با سيني چاي به داخل سالن آمد. به اطراف نگاه کرد و دريافت که آن بسيجي در داخل سالن نيست. بيرون رفت و وقتي صدای مسئولين را شنيد که آن بسيجي را سرزنش مي کنند، نزد آنان رفت و گفت:

- چرا او را مؤاخذه مي کنيد؟ اگر او به من توهين کرده هيچ اشکالي ندارد. سپس خيلي محترمانه و در حالي که لبخند بر لب داشت چاي را به آن برادر بسيجي تعارف کرد. بسيجي که از برخورد شهيد بابايي شرمگين به نظر مي رسيد، در حالي که سرش به پايين بود، عذرخواهي کرد و گفت:

- مرا ببخشيد. شما را نشناختم.

شهيد بابايي دوباره دستي بر سر و روي آن بسيجي کشيد و گفت: برادر هيچ عيبي ندارد. من نوکر شما بسيجي ها هستم.^۱

۱۲. صداقت و راستگویی

يکي از فضاييل اخلاقي که نقش بسزايی در سازندگی مدير دارد صداقت در گفتار و عمل است و راستی يکي از مهم ترين پايه ها و اصولی است که اساس جوامع انسانی را تشکيل می دهد، ترقی و عروج ملتها و امتها بر اساس پايبندی و التزام آنان به صداقت

۱. محمد طاهری آذر و دیگران پرواز تابی نهایت ص ۵۴

در کردار و گفتار عیارگذاری می شود و از آن رو که انسان ها بر اثر نیازمندی های فراوان روحی و جسمی ناگزیرند به صورت اجتماعی زندگی کنند و آنچه بقای چنین حیاتی را تضمین می کند صداقت و راستی میان افراد جامعه است و اگر این صداقت از بین برود دیگر جوامع مختلف نمی توانند محل اعتماد باشند در سازمان هم همین صورت حکم فرما است که باید در بین افراد سازمان و بین ارباب رجوع و کارمندان اصل صداقت حکم فرما باشد تا همه بتوانند در کنار یکدیگر احساس امنیت و آسایش داشته باشند.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.^۱

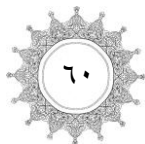
این روزی است که راستان را راستی و صدقشان سود دهد. برای آنان بهشت هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، همیشه در آن جاودانه اند، خدا از آنان خشنود و آنان هم از خدا خشنودند؛ این است رستگاری بزرگ

روایات:

۱. اهمیت صداقت

امام صادق فرمودند:

لَا تَعْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ



امام صادق علیه السلام فرمودند: فریب نماز و روزه مردم را نخورید، زیرا آدمی گاه چنان به نماز و روزه خو می کند که اگر آنها را ترك گوید، احساس ترس می کند، بلکه آنها را به راستگویی و امانتداری بیازماید.

۲. مفهوم راستگویی

امام علی علیه السلام :

الصِّدْقُ ، مُطَابَقَةُ الْمَنْطِقِ لِلْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ الْكَذْبُ ، زَوَالُ الْمَنْطِقِ عَنِ الْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ
۲.

راستی ، مطابقت گفتار است با نهاده (قانون) الهی و دروغ ، دور شدن گفتار است از نهاده (قانون) الهی .

۳. ویژگی راستگو

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَصَدِيقًا لِلنَّاسِ أَصْدَقُهُمْ حَدِيثًا وَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَكْذِيبًا أَكْذَبُهُمْ حَدِيثًا.^۳

کسی بیش از همه ، مردم را راستگو می داند که خودش با آنان راستگوتر باشد و کسی بیش از همه ، مردم را دروغگو می داند که خودش بیش از همه ، به آنان دروغ بگوید .

۱. محمد بن یعقوب کلینی ، کافی: ج ۲، ص ۱۰۴

۲. عبدالواحد محمد تمیمی، غرر الحکم: ص ۴۵۱

۳. حسام الدین هندی، کنز العمال: ص ۳۲۶



بیانات رهبری :

صداقت و مسئولیت‌پذیری باید در مدیران وجود داشته باشد. هنر یک مدیر این است که مسئولیت‌پذیری داشته باشد. بر مبنای یک پایه منطقی، کار را انجام دهید و مسئولیتش را هم به گردن بگیرید؛ بگویید این کار را کردم، مسئولیتش هم با من است. از مسئولیت نباید هراس داشت. آن چیزی که پیش خدای متعال و پیش مسؤولان ارشد نظام و پیش مردم عذر واقعی شمرده میشود، همین است که انسان بگوید من این اقدام را بر این اساس منطقی کرده‌ام. پس باید یک اساس منطقی قانونی وجود داشته باشد، که ملاک هم قانون است. بنابراین هیچ مشکلی نباید وجود داشته باشد.^۱

سیره شهدا:

یکی از مسائلی که در عملیات والفجر هشت دارای اهمیت بود، جزر و مد آب دریا بود که روی رود اروند نیز تاثیر داشت. بچه‌ها برای اینکه میزان جزر و مد را در ساعات و روزهای مختلف دقیقاً اندازه‌گیری کنند یک میله را نشانه‌گذاری کرده و کنار ساحل، داخل آب فرو کرده بودند. این میله یک نگهبان داشت که وظیفه‌اش ثبت اندازه جزر و مد برحسب درجات نشانه‌گذاری شده بود. اهمیت این مساله در این بود که باید زمان عبور غواصان از اروند طوری تنظیم شود که با زمان جزر آب تلاقی نکنند. چون در آن صورت آب همه غواصان را به دریا می‌برد. از طرفی در زمان مد چون آب برخلاف جهت رودخانه از سمت دریا حرکت می‌کرد، موجب می‌شد تا دو نیروی رودخانه و مد

۱. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۱، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱/۶/۴

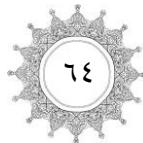


دریا مقابل هم قرار بگیرند و آب حالت راکد پیدا کند و این زمان برای عبور از اروند بسیار مناسب بود. اما اینکه این اتفاق هر شب در چه ساعتی رخ می‌دهد و چه مدت طول می‌کشد مطلبی بود که می‌بایست محاسبه شود و قابل پیش بینی باشد. بچه‌های اطلاعات برای حل این مساله راهی پیدا کردند. میله‌ای را نشانه گذاری کرده و کنار ساحل داخل آب فرو بردند. این میله سه نگهبان داشت که اندازه‌های مختلف را در لحظه‌های متفاوت ثبت می‌کردند.

حسین بادپا یکی از این نگهبان‌ها بود. خود حسین بادپا اینطور تعریف می‌کرد که: « دفترچه‌ای به ما داده بودند که هر پانزده دقیقه درجه روی میله را می‌خواندیم و با تاریخ و ساعت در آن ثبت می‌کردیم. مدت دو ماه کار ما سه نفر فقط همین بود. »

آن شب خیلی خسته بودم، خوابم می‌آمد. در آن نیمه‌های شب نوبت پست من بود. نگهبان قبل، بالای سرم آمد و بیدارم کرد. گفت: حسین بلند شو نوبت نگهبانی توست. همانطور خواب آلود گفتم: فهمیدم تو برو بخواب من الان بلند می‌شوم. نگهبان سر جای خودش رفت و خوابید، به این امید که من بیدار شده‌ام و الان به سر پستم خواهیم رفت اما با خوابیدن او من هم خوابم برد. چند لحظه بعد یک دفعه از جا پریدم. به ساعت نگاه کردم. بیست و پنج دقیقه گذشته بود. با عجله بلند شدم. نگاهی به بچه‌ها انداختم. همه خواب بودند. حسین یوسف الهی و محمدرضا کاظمی هم که اهواز بودند. با خودم فکر کردم خب الحمدلله مثل اینکه کسی متوجه نشده است. از سنگر بچه‌ها تا میله، فاصله چندانی نبود. سریع به سر پستم رفتم. دفترچه را برداشتم و با توجه به تجربیات قبل و با یادداشتهای درون دفترچه بیست و پنج دقیقه‌ای را که خواب مانده بودم از خودم نوشتم. روز بعد داخل محوطه قرار گاه بودم که دیدم محمدرضا کاظمی با ماشین وارد شد و سریع و بدون توقف یک راست آمد طرف من. از ماشین پیاده شده و

مرا صدا کرد .گفت: حسین بیا اینجا.جلو رفتم. بی مقدمه گفت: حسین تو شهید نمی شوی. رنگم پرید. فهمیدم که قضیه از چه قرار است ولی اینکه او از کجا فهمیده بود مهم بود.گفتم: چرا؟ حرف دیگری نبود بزنی؟ گفت: همین که دارم به تو می گویم. گفتم: خب دلایلش را بگو. گفت: خودت می دانی .گفتم: من نمی دانم تو بگو. گفت: تو دیشب نگهبان میله بودی؟ درست است؟گفتم : خب بله. گفت : بیست و پنج دقیقه خواب ماندی و از خودت دفترچه را نوشتی. آدمی که می خواهد شهید شود باید شهامت و مردانگی اش بیش از این ها باشد. حقش بود جای آن بیست و پنج دقیقه را خالی می گذاشتی و می نوشتی که خواب بودم.گفتم: کی گفته؟ اصلا چنین خبری نیست.گفت : دیگر صحبت نکن. حالا دروغ هم می گویی. پس یقین داشته باش که دیگر اصلا شهید نمی شوی. با ناراحتی سوار ماشین شد و به سراغ کار خودش رفت. با این کارش حسابی مرا برد توی فکر. آخر چطور فهمیده بود. آن شب که همه خواب بودند و تازه اگر هم کسی متوجه من شده بود که نمی توانست به محمدرضا کاظمی چیزی بگوید. چون او اهواز بود و به محض ورود با کسی حرف نزد و یک راست آمد سراغ من.و از همه اینها مهمتر چطور این قدر دقیق می دانست که من بیست و پنج دقیقه خواب بوده ام .تا چند روز ذهنم درگیر این مساله بود. هر چه فکر می کردم که او از کجا ممکن است قضیه را فهمیده باشد راه به جایی نمی بردم .بالاخره یک روز محمدرضا کاظمی را صدا زدم و گفتم: چند دقیقه بیا کارت دارم .گفت: چیه؟گفتم: راجع به مطلب آن روز می خواستم صحبت کنم. گفت : چی می خواهی بگویی.گفتم: حقیقتش را بخواهی، تو آن روز درست می گفتی، من خواب مانده بودم ولی باور کن عمدی نبود.نگهبان بیدارم کرد ولی چون خیلی خسته بودم خودم هم نفهمیدم که چطور شد خوابم برد . گفت : تو که آن روز گفتی خواب نمانده بودی، می خواستی مرا به شک بیندازی؟



گفتم: آن روز می خواستم کتمان کنم ولی وقتی دیدم تو آن قدر محکم و با اطمینان حرف می زنی فهمیدم که باید حتما خبری باشد. گفت: خب حالا چه می خواهی بگویی. گفتم: هیچی، من فقط می خواهم بدانم تو از کجا فهمیده ای. گفت: دیگر کاری به این کارها نداشته باش. فقط بدان که شهید نمی شوی.

گفتم: تو را به خدا به من بگو. باور کن چند روزی است که این مطلب ذهنم را به خود مشغول کرده است. گفت: چرا قسم می دهی نمی شود بگویم. گفتم: حالا که قسم داده ام تو را به خدا بگو. مکثی کرد و با تردید گفت: خیلی خوب حالا که این قدر اصرار می کنی می گویم ولی باید قول بدهی که زود نروی و به همه بگویی. لااقل تا موقعی که ما زنده ایم. گفتم: هر چه تو بگویی.

گفت: من و حسین یوسف الهی توی قرار گاه شهید کازرونی اهواز داخل سنگر خواب بودیم. نصف شب حسین مرا از خواب بیدار کرد و گفت: محمدرضا! حسین الان سر پست خوابش برده و کسی نیست که جزر و مد آب را اندازه بگیرد. همین الان بلند شو برو سراغش. من هم چون مطمئن بودم حسین دروغ نمی گوید و بی حساب حرفی نمی زند بلند شدم که بیایم اینجا. وقتی که خواستم راه بیفتم دوباره آمد و گفت: محمدرضا به حسین بگو تو شهید نمیشوی. حالا فهمیدی که چرا این قدر با اطمینان صحبت می کردم. وقتی اسم حسین یوسف الهی را شنیدم دیگر همه چیز دستگیرم شد. او را خوب می شناختم. باور کردم که دیگر شهید نمی شوم.

البته حاج حسین بادپا در دفاع از حریم زینبی به توفیق شهادت دست پیدا کرده اند و جنازه ایشان هنوز به دست خانواده شان نرسیده است.



۱۳. عدل و انصاف

از مواردی که افراد در یک سازمان به آن احتیاج دارند که آن را رعایت کنند داشتن عدل و انصاف نسبت به یکدیگر می باشد و در یک سازمان اجرای عدل جدا ناپذیر از آن می باشد زیرا هر یک از اعضای سازمان باید بتوانند هم در برخورد با خود عدل و انصاف را به خرج دهند و هم برخورد با افرادی که به عنوان ارباب رجوع به آن ها مراجعه می کنند عدل و انصاف را رعایت کنند تا ارباب رجوع با خیالی راحت کارهای خود را به آن ها بسپارد و از این جهت نگرانی نداشته باشد که ممکن است کار او با بی انصافی به تعویق بی افتد.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ^۱

خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

روایات:

۱. مفهوم عدل

قال امیر المومنین:

الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ.^۲

عدالت زندگی حکمهاست، حکمی که عدلی در آن نباشد حکم میّت دارد.

۱. نحل ۹۰

۲. علی بن محمد لبّی، عبون الحكم و المواعظ (لللبی): ص ۱۸



۲. آثار عدل

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى^۱

اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود را فرو می فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می ریزد.

۳. عادل ترین افراد

أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ^۲

عادل ترین مردم کسی است که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی پسندد.

بیانات رهبری:

اسلام خاموش شدنی نبوده و نخواهد بود. اسلام متجاوز و ظالم نیست و امر به عدل و انصاف می کند لذا رعایت عدل و انصاف تنها راه برخورد با مسلمانان در هر نقطه ای از جهان است.^۱

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی (ط-الاسلامیه): ج ۳، ص ۵۶۸،

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضر الفقیه: ج ۴، ص ۳۹۵



سیره شهدا:

وقتی حسین خرازی داشت از انبارها بازدید می کرد، انبار پتوها را باز کردم. دو نوع پتو داشتیم: یکی پتوهای معمول سربازی بود و نوع دوم پتوهای مرغوب گلبافت که “ظَلَمْتُ نَفْسِي” می گفتیمیش و خودمان استفاده می کردیم.

حسین خرازی با دیدن پتوهای گلبافت در انبار خیلی ناراحت شد. گفت: این پتوها برای کیست؟ گفتم: برای نیروها؟

گفت: پس اینجا چه می کنند؟

گفتم: دیدم این پتوها نوتر و قشنگ تر است و نیروها هم می خواهند بروند عملیات فعلاً بهشان ندادیم تا بعد چه شود؟

به حمید سلیمانی گفت: برو آن طرف و مرا کشید داخل انبار.

با لحن تند و غضب آلودی گفت: فقط به خاطر اینکه در این چهار پنج روزه نیروها در حال رفت و آمدند و خسته، با تو کاری ندارم؛ وگرنه طوری می زدم در گوشت که یکی از من بخوری یکی از دیوار.^۲

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۶۸، دیدار جمع کثیری از بانوان کشور با رهبر انقلاب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

۲. علی مسجدیان، زندگی با فرمانده؛ خاطراتی از شهید حسین خرازی صفحه ۲۱



۱۴. کنترل زبان

یکی از ملاک‌هایی که در روایات به عنوان ملاک سنجش افراد معرفی شده، زبان است؛ به طوری که گفته اند، به واسطه زبان فرد می توان او را ارزیابی کرد. در سازمان گاهی از اوقات که مشکلی پیش می آید این افراد هستند که باید از قبل تمرین کرده باشند تا بتوانند زبان را در کنترل خود نگه دارند و هر سخنی را به زبان نیاورند تا برای خود و دیگر اعضا سازمان مشکلی پیش نیاورند. و بهترین روشی که باید در یک سازمان تمرین شود در برخورد با ارباب رجوع به گفته قرآن سخن لین گفتن می باشد که با مردم به نرم خویی سخن بگوییم نه این که از در تند سخن گفتن بیرون بیاییم خداوند می فرماید «ذُهِبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» هر دو به سوی فرعون بروید؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است. پس با گفتاری نرم به او بگویید» این سخن خداوند به موسی و هارون در مقابل دشمن خداوند می باشد که خداوند می فرماید حتی با دشمن من هم به نیکویی صحبت کنید و طبیعتاً دوستان را بیشتر باید مراقبت کرد.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا^۱

و با مردم (به زبان) نیکو سخن بگویید

روایات:

۱. اهمیت حفظ زبان

^۱ طه ۴۳-۴۴

^۲ بقره ۸۳



قال الله تعالى: يَا أَحْمَدُ، لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمِ، فَمَنْ صَامَ وَلَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ كَانَ كَمَنْ قَامَ وَلَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَاتِهِ.^۱

ای احمد! هیچ عبادتی نزد من محبوب‌تر از خاموشی و روزه نیست؛ پس اگر کسی روزه بگیرد، ولی مراقب زبان خود نباشد، مانند کسی است که به نماز بایستد ولی در آن قرائت نداشته باشد.

۲. آثار

امام باقر می فرمایند:

لَا يُسَلِّمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَحْزَنَ لِسَانَهُ.^۲

هیچ کس از گناهان در امان نمی ماند مگر آن که زبانش را در کام کشد.

۳. پیامد عدم کنترل زبان

امام صادق علیه السلام می فرماید:

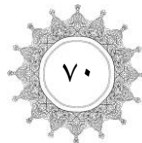
إِنَّ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ عَبْدًا اتَّقَى النَّاسَ لِسَانَهُ^۳

مبغوض ترین مخلوقات خدا، بنده ای است که مردم از زبان او در هراس باشند.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۷۴ ص ۲۹

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۱۷۹

۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۲۳



بیانات رهبری:

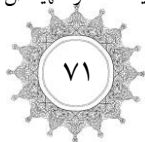
ما از ادبیات سیاسی دشمن استفاده نکنیم؛ من این مسئله را، بخصوص به دوستان و برادران محترم خودمان در مشاغل گوناگون سیاسی و دولتی و غیر دولتی و مانند اینها تأکید میکنم؛ از ادبیات دشمن استفاده نکنید. دشمنان انقلاب از روز اول آمدند تعبیر ادبیات تندرو و میانه‌رو را مطرح کردند؛ فلانی تندرو است، فلان جریان تندرو است، فلان جریان میانه‌رو است. آن روز، از همه تندروتر هم از نظر آنها امام بزرگوار بود؛ امروز هم از همه تندروتر، به نظر آنها این بنده‌ی حقیر هستم. میانه‌رو حرف قشنگی است اما اسلام این‌جوری حرف نمیزند؛ بفهمیم معارف اسلامی را.^۱

سیره شهدا:

از خودمان که حرف می‌زدیم، چیزی نمی‌گفت. آمده بود بیمارستان، قبل از تولد احسان. به شوخی می‌گفتم: وای حمید! بچه‌مان آن قدر زشت است که با تو مو نمی‌زند. می‌خندید. اما تا می‌خواستم حرف دیگران را بزنم. می‌گفت: برو بند ب. حرف دیگری بزن. از این حساسیت‌هایش که نشانه سلامت روحش بود خوشم می‌آمد.^۲

۱. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۴، بیانات در دیدار مردم نجف‌آباد ۱۳۹۴/۱۲/۵

۲. حبیب‌جعفریان، نیمه پنهان ماه، حمید باکری به روایت همسر شهید ص ۲۵



۱۵. گره گشایی از کار دیگران

یکی از اصول مهم زندگی افراد در سازمان را گره گشایی از کار دیگران تشکیل می دهد که افراد باید سعی داشته باشند که در سازمان فعالیت ها را طوری انجام بدهند که گره گشایی باشد از کارهای دیگران و این اعمال را برای خود یک نوع عبادت به حساب بیاورند و در متون روایی ما این به عنوان یک سیره بوده است که ائمه ما این کار را زیاد انجام می داده اند «ابن عباس میگوید: امام حسن مجتبی (ع) در مسجد الحرام اعتکاف نموده و مشغول طواف خانه کعبه بود که مردی از شیعیان خدمتش آمد و گفت: یاب رسول الله! من بفلان شخص مقداری بدهکارم، اگر ممکن است شما قرض مرا ادا کنید. فرمود: متأسفانه در حال حاضر پولی در اختیار ندارم. گفت: پس از او بخواهید که بمن مهلت بدهد. او مرا تهدید کرده که اگر بدهی خود را نپردازم مرا زندان بیفکند. حضرت طواف خود را قطع کرد و همراه آن مرد براه افتاد تا نزد طلبکارش برود و از او مهلت بگیرد. ابن عباس می گوید: من گفتم یابن رسول الله گویا فراموش کردید که در مسجد قصد اعتکاف کرده اید؟ فرمود: فراموش نکرده ام ولی از پدرم شنیدم که پیامبر اسلام فرمود: هرکس حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، چنانست که سالیانی دراز به عبادت پروردگار و شب زنده داری گذرانده باشد.» و این همه عبادت را فقط به کسی عطا می کنند که بواند یک حاجت را از دیگران برآورد یا به عبارت دیگر گره گشایی از کار های دیگران داشته باشد.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند».^۱

روایات:

۱. اهمیت گره گشایی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ تِسْعَةَ آلَافِ سِنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ، قَائِمًا لَيْلَهُ^۲

کسی که در برآوردن حاجت برادر مؤمنش تلاش نماید، مانند کسی است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده، در حالی که روزها روزه و شبها مشغول عبادت بوده است.

۲. آثار

امام علی علیه السلام

طوبى لِمَنْ أَحْسَنَ إِلَى الْعِبَادِ وَ تَزَوَّدَ لِلْمَعَادِ^۳

۱- طلاق ۷

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار: ج ۷۴، ص ۳۱۵

۳. علی بن محمد لیثی، عبود الحکم و المواعظ (للیثی): ص ۳۱۳



خوشا به حال آن که به بندگان خدا نیکی کند و برای آخرت خود زاد و توشه برگیرد.

۳. پیامد خدمت نکردن چ

رسول الله صلی الله علیه و آله :

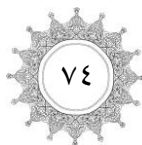
مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن که صبح کند و به کار مسلمانان اهتمام نرزد ، مسلمان نیست .

بیانات رهبری:

خدمت‌رسانی منطقی دارد. ما اصلاً برای خدمت به مردم آمده‌ایم. فلسفه وجود ما خدمت به مردم است. در روایات وارد شده است که والی و حاکم اسلامی - حاکم در همه سطوح؛ وزیر و استاندار و بالاتر و پایین‌تر و همه، مشمول این جمله‌اند - با مردم باید مثل پدر مهربان نسبت به فرزندان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری، از سرما، از گرما، از گرسنگی، از تحقیر، از اهانت و از غربت رنج میکشد، چه حالی پیدا میکنید؟ میتوانید تحمل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هر کس چنین اتفاقی بیفتد، تا آن جاییکه شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید؛ نباید آرام و قرار داشته باشیم. نهضت خدمت‌رسانی یعنی این. این خدمت را باید برای

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی: ج ۲ ص ۱۶۳



مردم محسوس کنیم. کارهای بزرگی را که صورت گرفته، باید به زندگی مردم بکشانیم تا لذتش را حس کنند. انضباط مالی و مبارزه با فساد هم از کارهای لازم است.^۱

سیره شهدا

علی، یکی از دوستان شهید بابایی می گوید: «یک روز بعد از این که از مدرسه تعطیل شدیم و خانه می آمدیم، موقع گذشتن از یکی از خیابان ها، عده ای از کارگرها را دیدیم که مشغول کندن کانال بودند. در بین آنها پیرمردی بود که به نظر می آمد توانایی کافی برای کندن کانال را ندارد. بعدا معلوم شد که آن پیرمرد مجبور است برای خرجی زندگی اش کار کند. عباس با دیدن این منظره، ایستاد و به پیرمرد سلام داد و گفت: «پدر جان! چند متر باید بکنی؟» پیرمرد با ناتوانی گفت: «امروز سه متر باید بکنم.» عباس کتابش را به پیرمرد داد و کلنگ را از او گرفت و شروع کرد به کندن زمین. من که از این کار عباس تعجب کرده بودم شروع کردم به خاکبرداری. بعد از یک ساعت مقداری را که پیرمرد باید می کند را گندیم، از او خداحافظی کردیم و به خانه رفتیم. از آن روز به بعد، عباس بعد از تعطیل شدن از مدرسه، به کمک آن پیرمرد می رفت. این کار عباس ادامه داشت تا موقعی که کار خاکبرداری توی آن خیابان تمام شد».^۲

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۲، یانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. محمد طاهری، آذر پروازتابی نهایت ص ۳۵



۱۶. مدارا و ملایمت کردن

یکی از اصولی که افراد در سازمان باید آن را رعایت کنند اصل مدارا با دیگران می باشد و به هر طریقی سعی خود را بر این بگذارند با ارباب رجوع از در وفق و مدارا وارد شوند نه این که بخواهند با اعمال و رفتار خود آن ها را از خود دور کنند تا بیشتر دشمنی کنند

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^۱

عفو و گذشت را پیشه کن، و به کار پسندیده فرمان ده، و از نادانان روی بگردان.

روایات:

۱. اهمیت مدارا کردن

رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ؛

پروردگارم، همان گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است.....^۲

۲. آثار مدارا کردن

۱. اعراف ۱۹۹

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۱۷



رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

مَنْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱

هر کس را که بهره ای از مدارا داده اند، بدون شك بهره اش را از خیر دنیا و آخرت داده اند....

۳. پیامدهای مدارا

پیامبر صلی الله علیه و آله:

مَنْ حُرِمَ الرَّفْقُ فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرِ كُلُّهُ؛

هر کس از مدارا بی بهره باشد، از همه خوبی ها بی بهره مانده است.^۲

بیانات رهبری:

امیرالمؤمنین. اولاً تا حد ممکن با مخالفان خودش، حتی با دشمنان خودش مدارا کرد. اینی که میبینید امیرالمؤمنین سه جنگ را در دوران حدود پنج سال حکومت خود مجبور شد و تحمل کرد، بعد از این بود که همه ی مداراهای لازم انجام گرفته بود. امیرالمؤمنین کسی نبود که بدون رعایت مداراهای لازم با مخالفان، اول دست به شمشیر ببرد.... اول انقلاب در بین همین گروه هایی که در دوران پیش از انقلاب و در

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه ص ۷۳۸

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول ص ۴۹



حوادث سالهای مبارزات، همه در کنار هم بودیم، اختلافهایی به وجود آمد. امام (رضوان الله تعالی علیه) با همه‌ی این اختلافات یک جور برخورد نکرد. همین طور که در روش امیرالمؤمنین عرض کردیم، روش امام (رضوان الله علیه) هم همین جور بود؛ یعنی اول با مدارا، با نصیحت؛ لیکن آن وقتی که اقتضاء کرد، برخورد کرد. یک گروه مربوط به دولت موقت بودند و مشکلات آنها بود، یک گروه آن کسانی بودند که علیه لایحه‌ی قصاص آن حرکت را انجام دادند، یک گروه حتی کار را به ترور و درگیریهای خیابانی کشیدند؛ با هر کدام از اینها امام یک نحوی برخورد کرد.^۱

سیره شهدا:

رضا سگه یه لات بود تو مشهد؛ هم سگ خرید و فروش می کرد و هم دعواهاش از نوع سگی بود! یه روز داشت میرفت سمت کوه سنگی برای دعوا و غذا خوردن، دید یه ماشین داره تعقیبش می کنه با آرم «ستاد جنگهای نا منظم» شهید چمران از ماشین پیاده شد و دست اونو گرفت و گفت: «فکر کردی خیلی مردی»

گفت: برو بچه ها اینجور میگن!! شهید چمران بهش گفت: اگه مردی بیا بریم جبهه ، به غیرتش بر خورد، راضی شد؛ رفت جبهه...

شهید چمران تو اتاق نشسته بود، یه دفعه دید که صدای دعوا میاد! چند لحظه بعد با دست بند، رضا رو آوردن تو اتاق، انداختنش رو زمین و گفتن: «این کیه آوردید جبهه؟» رضا شروع کرد به فحش دادن، فحشای رکیک!

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۸، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰



اما چمران مشغول نوشتن بود. دید شهید چمران توجه نمیکنه، یه دفه داد زد: «هووی کچل با توام»

یکدفعه شهید چمران با مهربانی سرش رو بالا آورد:

«بله عزیزم! چی شده عزیزم؟ چیه آقا رضا؟ چه اتفاقی افتاده؟» قضیه این بود؛ آقا رضا داشت میرفت بیرون، بره سیگار بگیره و برگرده با دژبان دعواش شده بود. شهید چمران: «آقا رضا چی میکشی؟! برید براش بخرید و بیارید!...»

شهید چمران و آقا رضا... تنها تو سنگر... آقا رضا: میشه یه دو تا فحش بهم بدی؟! کشیده ای، چیزی!!

شهید چمران: چرا؟! آقا رضا: من یه عمر به هرکی بدی کردم، بهم بدی کرده... تا حالا نشده بود به کسی فحش بدم و اینطور برخورد کنه...

شهید چمران: اشتباه فکر می کنی...! یکی اون بالاست، هر چی بهش بدی می کنم، نه تنها بدی نمیکنه، بلکه با خوبی

بهم جواب میده... هی آبرو بهم میده ... تو هم یکیو داشتی که هی بهش بدی میکردی بهت خوبی می کرده...! گفتم بذار یه بار یکی بهم فحش بده بگم بله عزیزم ... یکم مثل اون شم!... آقا رضا جا خورد، تلنگر خورد به شخصیت معنویش،

رفت تو سنگر نشست، آدمی که مغرور بود و زیر باز کسی نمیرفت زار زار گریه می کرد...عجب! یکی بوده هرچی بدی کردم بهم خوبی کرده؟ اذان شد؛ آقا رضا اولین نماز عمرش بود، رفت وضو گرفت. سر نماز، موقع قنوت صدای گریش بلند بود. وسط

نماز، صدای سوت خمپاره اومد، صدای افتادن یکی روی زمین شنیده شد... آقا رضا رو خدا واسه خودش جدا کرد، فقط چند لحظه بعد از توبه کردنش. توبه واقعی و یه نماز واقعی...

۱۷. همدردی با دردمندان

یکی از وظایف افراد سازمان این می باشد که با درد مندان و کسانی که مشکلاتی دارند همدردی کنند تا بتوانند مشکلات آن ها را مشکلات خود ببینند تا بتوانند راحت تر برای حل مشکلات اقدام کنند و مشکل آن ها را مشکل خودشان بدانند و برای برطرف کردن مشکلات دیگران تمام سعی و تلاش و همت خودشان را بگذارند که مشکلات دیگران را حل کنند و در این راه از هیچ اقدامی کوتاهی نکنند

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ

قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمده که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید ...^۱

روایات:

۱. معنای همدردی

امام باقر علیه السلام فرمودند:



الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ
بِالسَّهْرِ وَ الْحَمِي

مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند که اگر به عضوی
از آن آسیبی برسد تمام اعضاء در تب و بیخوابی گرفتار آیند.

۲. آثار همدردی

پیامبر اکرم (ص) خطاب به امام علی علیه السلام می فرماید:

سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
عَلَى كُلِّ حَالٍ^۱

برترین و سرور اعمال عبارتند از: حق دادن به مردم از طرف خودت (رعایت
انصاف) و همدردی با برادر دینی ات در راه خدا و ذکر خدای عز و جل در هر حال

۳. بهترین همدردی

قال امیرالمومنین:

أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ^۲

بهترین احسان، همدردی و همیاری با برادران است.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: ج ۷، ص ۲۱۰

بیانات رهبری:

حمایت از محرومان؛ یکی از مبانی اساسی و ارزشهای اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه‌ی عالم. اینها ارزشهای اساسی انقلاب است؛ از اینها نمیشود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.^۱

سیره شهدا:

مسابقات قهرمانی باشگاه‌ها در سال ۱۳۵۵ بود. مقام اول مسابقات، هم جایزه نقدی می گرفت هم به انتخابی کشور می رفت. ابراهیم در اوج آمادگی بود. هر کس یک مسابقه از او می دید این مطلب را تایید می کرد. مریبان می گفتند: امسال در ۷۴ کیلو کسی حریف ابراهیم نیست. مسابقات شروع شد. ابراهیم همه را یکی یکی از پیش رو برمیداشت. با چهار کشتی که برگزار کرد به نیمه نهائی رسید. کشتی‌ها را یا ضربه می کرد یا با امتیاز بالا می برد. به رفقایم گفتم: مطمئن باشید، امسال یه کشتی گیر از باشگاه ما می ره تیم ملی. در دیدار نیمه نهائی با اینکه حریفش خیلی مطرح بود ولی ابراهیم برنده شد. او با اقتدار به فینال رفت. حریف پایانی او آقای (محمود. ک) بود. ایشان همان سال قهرمان مسابقات ارتش‌های جهان شده بود. قبل از شروع فینال رفتم پیش ابراهیم توی رختکن و گفتم: من مسابقه‌های حریف رو دیدم. خیلی ضعیفه، فقط

۱. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۵، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)



ابرام جون ، تو رو خدا دقت کن. خوب کشتی بگیر، من مطمئنم امسال برا تیم ملی انتخاب میشی. مربی، آخرین توصیه ها را به ابراهیم گوشزد می کرد. در حالی که ابراهیم بندهای کفشش را می بست. بعد با هم به سمت تشک رفتند. من سریع رفتم و بین تماشاگر ها نشستم. ابراهیم روی تشک رفت. حریف ابراهیم هم وارد شد. هنوز داور نیامده بود. ابراهیم جلو رفت و با لبخند به حریفش سلام کرد و دست داد. حریف او چیزی گفت که متوجه نشدم. اما ابراهیم سرش را به علامت تایید تکان داد. بعد هم حریف او جایی را در بالای سالن بین تماشاگرها به او نشان داد! من هم برگشتم و نگاه کردم. دیدم پیر زنی تنها ، تسبیح به دست، بالای سکوها نشست. نفهمیدم چه گفتند و چه شد. اما ابراهیم خیلی بد کشتی را شروع کرد. همه اش دفاع می کرد. بیچاره مربی ابراهیم ، اینقدر داد زد و راهنمایی کرد که صدایش گرفت. ابراهیم انگار چیزی از فریادهای مربی و حتی دادزدن های من را نمی شنید. فقط وقت را تلف می کرد! حریف ابراهیم با اینکه در ابتدا خیلی ترسیده بود اما جرأت پیدا کرد. مرتب حمله می کرد. ابراهیم هم با خونسردی مشغول دفاع بود. داور اولین اخطار و بعد هم دومین اخطار را به ابراهیم داد. در پایان هم ابراهیم سه اخطاره شد و باخت و حریف ابراهیم قهرمان ۷۴ کیلو شد! وقتی داور دست حریف را بالا می برد ابراهیم خوشحال بود! انگار که خودش قهرمان شده! بعد هر دو کشتی گیر یکدیگر را بغل کردند. حریف ابراهیم در حالی که از خوشحالی گریه می کرد خم شد و دست ابراهیم را بوسید! دو کشتی گیر در حال خروج از سالن بودند. من از بالای سکوها پریدم پایین. با عصبانیت سمت ابراهیم آمدم. داد زدم و گفتم: آدم عاقل، این چه وضع کشتی بود؟ بعد هم از زور عصبانیت با مشت زدم به بازوی ابراهیم و گفتم: آخه اگه نمیخواهی کشتی بگیري بگو، ما رو هم معطل نکن. ابراهیم خیلی آرام و با لبخند همیشگی گفت: اینقدر حرص نخور! بعد سریع رفت تورختکن، لباسهایش را پوشید. سرش را پایین انداخت و رفت. از زور عصبانیت

به در و دیوار مشت می زدم. بعد یک گوشه نشستم. نیم ساعتی گذشت. کمی آرام شدم. راه افتادم که بروم. جلوی در ورزشگاه هنوز شلوغ بود. همان حریف فینال ابراهیم با مادر و کلی از فامیل ها و رفقا دور هم ایستاده بودند. خیلی خوشحال بودند. یکدفعه همان آقا مرا صدا کرد. برگشتم و با اخم گفتم: بله؟! آمد به سمت منو گفت: شما رفیق آقا ابرام هستید، درسته؟ با عصبانیت گفتم: فرمایش؟! بی مقدمه گفت: آقا عجب رفیق با مرامی دارید. من قبل مسابقه به آقا ابرام گفتم، شک ندارم که از شما می خورم، اما هوای ما رو داشته باش، مادر و برادران بالای سالن نشستند. کاری کن ما خیلی ضایع نشیم. بعد ادامه داد: رفیقتون سنگ تموم گذاشت. نمی دونی مادرم چقدر خوشحاله. بعد هم گریه اش گرفت و گفت: من تازه ازدواج کرده ام. به جایزه نقدی مسابقه هم خیلی احتیاج داشتم، نمی دونی چقدر خوشحالم. مانده بودم که چه بگویم. کمی سکوت کرد و به چهره اش نگاه کردم. تازه فهمیدم ماجرا از چه قرار بوده. بعد گفتم: رفیق جون، اگه من جای داش ابرام بودم، با این همه تمرین و سختی کشیدن این کارو نمی کردم. این کارا مخصوص آدمای بزرگی مثل آقا ابرامه. از آن پسر خداحافظی کردم. نیم نگاهی به آن پیرزن خوشحال و خندان انداختم و حرکت کردم. در را به کار ابراهیم فکر می کردم. اینطور گذشت کردن، اصلاً با عقل جور در نمیاد!

با خودم فکر می کردم، پوریای ولی وقتی فهمید حریفش به قهرمانی در مسابقه احتیاج دارد و حاکم شهر، آنها را اذیت کرده، به حریفش باخت. اما ابراهیم... یاد

تمرین های سختی که ابراهیم در این مدت کشیده بود افتاده. یاد لبخند های آن پیرزن و خوشحالی آن جوان، یکدفعه گریه ام گرفت. عجب آدمیه این ابراهیم!



مُدارزش مادد اخلاق کارمندی

اصولاً ضد ارزش ها به فعالیت هایی که اطلاق می شوند که جنبه نهی دارند و در یک سازمان افراد باید سعی کنند که این گونه از اخلاقیات را که به نحوی جزء رذایل اخلاقی به شمار می آیند را از خود دور نگه بدارند. تا یک سازمان بتواند در سلامت کامل قرار بگیرد.

۱. آزار مؤمنین

یکی از مواردی که از ضد ارزش ها در سازمان به حساب می آید این می باشد که کسانی که در ادارات بی دلیل ارباب رجوع را معطل می کنند و کار آنها را به فردا و فرداها موکول می کنند و گاهی مشکلی بر مشکلات آنها می افزایند که این کار به نوعی از اذیت و آزار مؤمنین به حساب می آید. در صورتی که اصل بر این است که در حل مشکلات دیگران ما تمام سعی و کوشش خود را انجام دهیم تا هرچه سریعتر کار ها به سر انجام برسد

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی آنکه مرتکب (عمل زشتی) شده باشند آزار می رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته اند.

روایات:

۱. ماهیت

قال علی بن موسی الرضا المُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَائِقِهِ^۱

مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از ما نیست آن که همسایه اش از شر او در امان نباشد .

۲. پیامد

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ - أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ - حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ^۲

کسی که به مرد یا زن مسلمانی بهتان زند یا درباره او سخنی بگوید که در او نیست، خداوند او را در قیامت روی تلی از آتش قرار می - دهد تا از عهده آنچه گفته برآید

۳. اعلام جنگ با خداوند

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۲۴

۲. علی بن موسی الرضا، صحیفة الإمام الرضا علیه السلام: ص ۴۹



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ فِي خَيْرِ آخِرٍ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ^۱

بیانات رهبری:

من شنیده‌ام این افرادی که حمله کردند به این شهر، وارد خانه‌ی زن مسلمان و زن غیر مسلمان - معاهده یعنی یهود و نصاری‌ی که پیمان دارند و در زیر سایه‌ی حکومت اسلامی زندگی میکنند - میشوند و «يَأْخُذُ حِجْلَهَا» و اذیت میکنند اینها را، آزار میکنند، ظلم میکنند. بعد حضرت میفرمایند که اگر مسلمان از این غم بمیرد، مورد ملامت نیست! ملاحظه کنید، این امیرالمؤمنین [است]. اگر مسلمان از غصه‌ی این بمیرد که سپاهیان دشمن و غارتگران، وارد خانه‌ی یک زن غیر مسلمان شدند و او را مورد آزار و اذیت قرار دادند و دستبند او را و حِجِل او را گرفتند، ملامت نباید بشود؛ ملامت نمیشود. نظر اسلام این است. ما امیدواریم ان‌شاءالله بر همین روال حرکت کنیم و پیش برویم.^۲

۱. محمد بن محمد الشعیری، جامع الأخبار (لشعیری): ص ۱۴۷

۲. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۳، بیانات در دیدار نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی

۲. اهانت و تحقیر

افرادی که در یک سازمان مشغول به فعالیت هستند باید خود را به نوعی خادم مردم بدانند و خود را از آن‌ها بالاتر ندادند تا به خود اجازه بدهند که به هر نوعی به دیگران اهانت کنند و یا با رفتار خود آن‌ها را تحقیر کنند و باید سعی شود در یک سازمان اصل مساوات و همدلی برای همه رعایت شود و این مطلب فقط در بین کارمندان و ارباب رجوع نمی‌باشد بلکه بین مدیر سازمان و بقیه کارکنان هم باید رعایت شود که همه خود را به نوعی با هم برابر ببینند و اگر چه در مقام سازمانی از بقیه بالاتر می‌باشند.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^۱

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند.

روایات:

۱. ماهیت

امام باقر علیه السلام:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفَثٍ^۱

خداوند عزوجل دوست دارد کسی را که در میان جمع شوخی کند به شرط آن که ناسزا نگوید.

۲. پیامد

عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: قال الله عزَّ وجلَّ: لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مَنِّي، مَنْ أَذَلَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَلِيَأْمَنَ مِنْ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ^۲

از امام صادق - علیه السلام - آمده است که خداوند عزَّ و جلَّ فرمود: کسی که بنده مؤمن مرا خوار شمارد باید بداند که خداوند با او در جنگ است و کسی که بنده مؤمن مرا تعظیم و تکریم کند بی شک از غضب من در امان است.

۳. ذلیل ترین مردم

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ وَ أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ وَأَحْزَمُ النَّاسِ^۱

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی (ط-الاسلامیه): ج ۲، ص ۶۶۳

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار: ج ۷۲، ص ۱۷۵



و ذلیل ترین مردم کسی است که بمردم توهین کند

بیانات رهبری:

گاهی یک بیانی از بیانهای ممنوع مثل اهانت مثلاً به یک شخص، اهانت به یک شخص معمولی در جامعه است. گاهی اهانت به شخصی است که اهانت او، زیر سؤال بردن او، تحقیر او، تحقیر یک ملت است، اهانت به یک نظام است، زیر سؤال بردن یک جامعه است، یک کشور است، این دو با هم یکسان نیستند. پس نمیشود که ما به طور کلی چشمهامان را بگذاریم روی هم، بگوئیم در اسلام بیان عقیده و ابراز عقیده جایز است به طور کلی یا جایز نیست به طور کلی. شرایط مختلف است، بیانه‌ها مختلف است، گوینده‌ها مختلفند، شنونده‌ها مختلفند، محتوای مطلب مختلف است.^۲

۳. برتری طلبی (دوری از مردم)

خدمتگزاری برای مردم از پشت درهای بسته و در پس پرده در فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد و آموزه‌های اخلاقی اسلام کارمندان و کارگزاران نظام را به شدت از آن نهی می‌کند که بخواهند برای خود جایگاهی برخوردار باشند و اهمیتی به ارباب رجوع ندهند بلکه باید خود را عادت به این بدهند که در واقع خادم مردم باشند و در بین مردم باشند. نه این که بخواهند از پشت میز و درهای بسته کارهای دیگران را انجام دهند در

۱. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه: ج ۴، ص ۳۹۴

۲. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۶۶ خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۲/۱۸



مورد روابط با دیگران نمی شود با تشریفات با بقیه کارمندان برخورد کرد بلکه دستور به ساده زیستی و ساده گرفتن می باشد.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ^۱

و ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آن که آنان (نیز) غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند...

روایات:

۱. ماهیت

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُمَثَّلَ لَهُ الرَّجَالُ فَلْيُتَبَوَّءْ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ^۲

کسی که دوست دارد مردم دست به سینه در مقابل او بایستند جایگاه خود را در آتش دوزخ ببیند.

۲. زیان کثیر

و قَالَ ص مَا ذُنُوبَانِ ضَارِيَانِ أُرْسِلَا فِي زُرِّيَّةٍ غَنِمَ بِأَكْثَرِ فُسَادٍ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الْجَاوِ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ^۱.

۱. فرقان ۲۰

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق: ص ۲۵



و آن بزرگوار فرمود: زیان ثروت و مال دوستی و جاه‌طلبی برای دین انسان به مراتب بیشتر از زیان دو گرگی است که به لانه گوسفندان حمله برند

۳. پیامد

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ هَلَكَ»^۲

کسی که دنبال ریاست باشد هلاک می شود.

بیانات رهبری:

مردمی باشید، مردم دوست باشید، مردم‌پذیر باشید، مردمی رفتار باشید. سپاه مردمی است دیگر؛ از اولی که سپاه تشکیل شد - این جوانها و بچه‌هایی که آمدند، از دانشگاه آمدند، از بازار آمدند، از کارگاه آمدند، از همه جا آمدند رشد کردند، آمدند چهره شدند، آمدند به جایی رسیدند که امثال بنده باید نگاه کنیم، حسرت بخوریم، غبطه بخوریم - مردمی تشکیل شد. با مردم باشید، از مردم باشید، رفتار مردمی داشته باشید؛ فخرفروشی خلاف این رفتار است، دنیا‌طلبی خلاف این رفتار است، اشرافیگری خلاف این رفتار است. این هم یک توصیه‌ی مؤکد. البته در این توصیه‌ی ششم خیلی حرف هست؛ بنده هم به همه‌ی اجزای مسئولین کشور این توصیه را همیشه میکنم، تأکید هم

۱. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام: ج ۱، ص ۱۵۵

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - دارالحدیث): ج ۳ ص ۲۲۷



میکنم لکن دیگر حالا مجال خیلی نیست، میخواهیم عبور کنیم.^۱

۴. تبعیض

کارها در نظام اسلامی، زمانی مسیر درست خود را طی خواهد کرد که کارمندان و کارگزاران از انجام هرگونه اعمال و گفتار تبعیض‌آمیز خود داری کنند و تنها به اجرای قانون و عدالت پی اندیشند. در واقع، زیبایی اداره امور یک سازمان، در رعایت مساوات است در این که بین افراد و اشخاص تبعیض قائل نشوند و همه افراد به یک چشم نگاه کنند تا بتوانند به خوبی انجام وظیفه کنند.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^۲

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.

روایات:

۱. ماهیت

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۸، بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

۲. حجرات/ ۱۳



حضرت علی علیه السلام فرموده است:

جَمَالُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ فِي الْإِمْرَةِ ، وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ^۱

امام علی علیه السلام: زیبایی سیاست، در به کار بستن عدالت در حکومت است و گذشت کردن با وجود توانایی [بر انتقامگیری].

۲. پیامد

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ، وَذُو ثَرْوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ وَفَقِيرٌ فَخُورٌ^۲

اولین کسی که به جهنم می رود فرمانروای قدرتمندی است که به عدالت رفتار نمی کند و ثروتمندی که حقوق مالی خود را نمی پردازد و نیازمند متکبر.

۳. آثار

امام رضا علیه السلام:

اسْتِعْمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤْذِنٌ بِدَوَامِ النِّعَمَةِ^۱

۱. غرر الحکم: ۴۷۹۲.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج: ۲، ص ۲۸.

به کارگیری عدل و احسان و نیکویی موجب دوام و باقی ماندن نعمت می شود .

بیانات رهبری:

اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی - اگر واقعاً اصلاحات باشد - بر محور این میچرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت المال مردم برای منافع شخصی و پُرکردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگیها و صلاحیتهای قابلتیهای افراد توجه نشود. همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده ایم، مردم تأیید کردند که مبارزه با آنها، همان اصلاحات واقعی است. این را مردم میخواهند؛ اما امریکاییها این را نمیخواهند؛ رئیس جمهور امریکا به هیچ وجه چنین چیزی را در داخل کشور نمیخواهد.^۲

۵. ترک فعل (کم کاری)

یکی از حق الناس هایی که در سازمان به عهده افراد می آید ، تضییع اوقات مردم می باشد که در بعضی از سازمان ها چیزی که اصلاً مهم نیست، وقت مردم است که به شکل های مختلف تضییع می شود. گاه به دلیل عدم حضور به موقع کارمند در محل کار

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴

۲. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۱، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۰۴/۲۶



و گاه برای خوردن چای صبحانه و گاه به بهانه نماز و مراسم‌های مختلف، محل کار خود را ترك نموده و بیش از وقت کافی طول می‌دهند و گاهی هم برای انجام امور شخصی خود مرخصی ساعتی گرفته و بدون وجود کارمند جایگزین برای رفع مشکلات مردم، آنها را مدت‌ها در انتظار خویش نگه می‌دارند که این‌ها و بسیار دیگری از موارد کم‌کاری در محل کار می‌باشد که خود این افعال بیشتر مردم را بدبین به سازمان می‌کند.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^۱

و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نکاهید، و در زمین تباهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید.

روایات:

۱. ماهیت

الإمام علی (ع): الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ نَهْيَةً فَأَنْتَهُوا إِلَى نَهَائِكُمْ^۲

۱. شعرا ۱۸۳

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبيحي صالح): ص ۲۵۲

امام علی (ع): کار کنید و آن را به پایانش رسانید و در آن پایداری کنید؛ آن گاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید. همانا شما را پایانی است؛ پس، خود را به آن پایان (بهشت) رسانید.

۲. پیامد

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: وَإِذَا طُفِّتِ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ^۱

هر زمان که مردم کم فروشی کنند، خداوند آنان را به خشک سالی و قحطی و کم شدن محصول گرفتار می سازد.

۳. موجب سرزنش

امام علی علیه السلام:

إِحْذَرُوا التَّفْرِيطَ ؛ فَإِنَّهُ يُوجِبُ الْمَلَامَةَ^۲؛ از کوتاهی کردن پرهیزید که آن موجب سرزنش است.

بیانات رهبری:

یکی هم پرهیز از تنبلی و کم کاری است. کسالت، کم کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباه میکند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی.

۱. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم: ج ۱، ص ۳۲۴

۲. علی بن محمد لبی، عبون الحکم و المواعظ (للثی): ص ۱۰۳

این که ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی، یعنی تحرک اقتصادی باید جهادگونه باشد. خب، این راجع به مسائل انقلاب. حرف زیاد است، اما وقت کم است؛ به آن مسائل بعدی هم باید برسیم.^۱

۶. جهل ورزی (ندانسته گویی)

یکی از عوامل مشکل ساز و ضدارزش درسازمان ها، ندانسته گویی است. گاهی يك مراجعه کننده، ساعت ها و شاید روزها معطل می شود و بعد از دوندگی های زیاد، می فهمد که مشککش بسیار ساده حل می شد، اما در اثر راهنمایی منفی و جواب نامناسب يك مسئول، این چنین معطل مانده است و اگر آن شخص به جای راهنمایی غلط، اظهار بی اطلاعی می کرد، کار به این مشکل بر نمی خورد و مشکل یک نفر به راحتی و زودتر حل می شد و به تبعات بعدی که بدبینی به نظام می باشد هم بر نمی خورد.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَلَا تَقِفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^۲

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند.

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۰، خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۲. اسرا ۳۶



روایات:

۱. ماهیت

الإمام علیّ علیه السلام: مَنْ تَرَكَ قَوْلَ «لَا أُدْرِی» أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ^۱.

هر که جمله «نمی دانم» را ترك گوید، به هلاکت درافتد.

۲. اخلاق جاهل

قَالَ الصَّادِقُ ع:

مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَ الْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ^۲

امام صادق (ع) می فرماید: یکی از اخلاق نادان این است که قبل از شنیدن (مطلب)، پاسخ می دهد و پیش از آنکه مقصود گوینده را بفهمد، به مخالفت بر می خیزد و ندانسته داوری می کند.

۳. پیامد

قال علی علیه السلام: الْجَهْلُ فَسَادٌ كُلُّ أَمْرٍ^۱

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبحي صالح): حکمت ۸۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت): ج ۲، ص ۶۲.



امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: جهل تمام امور را تباه می کند.

بیانات رهبری:

هر انسان وقتی می خواهد حرفی بزند، اگر بداند در مقابل این حرف باید پاسخگو باشد، یک طور حرف خواهد زد؛ اما اگر بداند مطلق العنان است و پاسخگو نیست، طور دیگری حرف خواهد زد. انسان وقتی می خواهد تصمیم بگیرد و عمل کند، اگر بداند در مقابل اقدام خود پاسخگو خواهد بود، یک طور عمل می کند؛ اما اگر احساس کند نه، مطلق العنان است و از او سؤال نمی شود و او را به بازخواست نمی کشند، طور دیگری عمل می کند. ما مسؤولان خیلی باید مراقب حرف زدن و تصمیم گیری خود باشیم. مسؤولیت به همین علت محترم است و به همین جهت است که مردم برای مسؤول احترام قائلند؛ چون پشت سر کار و تصمیم گیری او دنیایی از مسؤولیت وجود دارد که او قبول می کند. اگر این شخص خود را مسؤول دانست، واقعاً شایسته‌ی این تکریم و احترام هم هست؛ اما اگر مسؤول ندانست، همه چیز مشکل می شود.^۲

۷. چاپلوسی و تملق

گاهی از اوقات برخی افراد برای پیشبرد اغراض شخصی خود، در تمجید و تعریف از فرد خاصی زیاده‌روی می کنند یا بر خلاف واقع صفات خوبی را که فاقد آن است به او نسبت داده، آن را بزرگ جلوه می دهند. گاهی نیز برای توجیه عمل خود، نام آن را

۱. علی بن محمد لیثی، عیون الحکم و المواعظ (لللیثی): ص ۳۱

۲. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۳، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۳/۱/۲۶



تقدیر و تشکر می‌گذارند و این عمل باعث می‌شود که فرد ممدوح هم بیش از اندازه بخواهد بزرگ شود و شاید غرور او را بگیرد که با این کار هم به خود و هم به طرف مقابل ضربه خواهند زد. و هم خود فرد و فرد تمجید شده را دچار مشکل می‌کند.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيَحِبُّونَ أَنْ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.^۱

خیال نکن کسانی که از اعمال زشت خود خوشحال می‌شوند و دوست دارند در برابر کار نیک انجام ناگرفته ستایش شوند، از عذاب الهی معاف هستند، بلکه برای آنان عذابی دردناک هست.

روایات:

۱. جایگاه

عنه عليه السلام: لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ التَّمَلُّقُ وَلَا الْحَسَدُ إِلَّا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ.^۲

امام علی علیه السلام: چالپوسی و حسادت از اخلاق مؤمن نیست، مگر در تحصیل علم.

۲. اهمیت

۱. آل عمران ۱۸۸

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: ج ۸، ص ۴۶۷



امام علی علیه السلام: اِحْمَدُ، مَنْ يَغْلُظُ عَلَيْكَ وَيَعْظُكَ، لَا مَنْ يُزَكِّيكَ وَيَتَمَلَّقُ^۱.

کسی را که بر تو سخت می گیرد و تو را موعظه می کند ستایش کن، نه کسی که تو را بی عیب می شمرد و چاپلوسی تو را می کند.

۳. نشانه

امام صادق علیه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: ... وَلِلْحَاسِدِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَغْتَابُ إِذَا غَابَ وَيَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَيَشْمَتُ بِالمُصِيبَةِ^۲

لقمان به فرزندش گفت: ... حسود را سه نشانه است: پشت سر غیبت می کند، روبه رو تملق می گوید و از گرفتاری دیگران شاد می شود.

بیانات رهبری:

بعضی با این پدیده، چنان که شایسته آن است، برخورد نمیکنند. گاهی به جای برنامه ریزی برای جوانان، تملق آنها گفته میشود. من دوست ندارم وقتی با جوانان مواجه میشویم، دائم به به و چه چه کنیم و از محسنات آنها بگوئیم. این فقط امواج هوا و لفاظی است؛ به این احتیاجی نیست. متأسفانه جمعی به این اشکال دچارند. هر جا کم می آورند، اسم جوانان را می آورند؛ هر جا درمیانند، عنوان و تابلوی جوانان را بلند میکنند. تملق گویی و اسطوره سازی از جوان، بدون این که واقعیت جوان و دغدغه جوان

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید: ج ۲۰ ص ۲۵۸

۲. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال: ج ۱، ص ۱۲۱



و کیفیت حرکت جوان و برنامه‌ریزی برای جوان به‌درستی مورد توجه باشد، یک اشکال است.^۱

۸. خُلف وعده

وفای به عهد از ارزش‌هایی است که در میان اقوام و ملت‌های گوناگون با هر عقیده و مسلکی که باشند اهمیت ویژه‌ای دارد و از اصولی است که می‌تواند در محیط یک سازمان به کارمند و کارگزار اعتبار و اعتماد ببخشد. بنابراین، هرگونه بی‌توجهی و کم‌لطفی به وعده‌های داده شده به وسیله کارمند، نه تنها می‌تواند اعتبار کارمند، بلکه اعتبار سازمان و اداره را زیر سؤال ببرد. عمل نکردن به تعهدات از آسیب‌های بزرگی است که سبب بی‌اعتمادی بین کارکنان و ارباب رجوع می‌شود.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ^۲

ای اهل ایمان! به همه قراردادهای [ی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید.

روایات:

۱. علامت

۱. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۰، بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲

۲. مانده ۱



قال رسول الله : ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَقَالَ «إِنِّي مُسْلِمٌ» مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذِبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اتَّخَذَ خَانَ.^۱

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز است که در هر کس باشد منافق است اگر چه روزه دارد و نماز بخواند و حج و عمره کند و بگوید من مسلمانم؛ کسی که هنگام سخن گفتن دروغ بگوید و وقتی که وعده دهد تخلف نماید و چون امانت بگیرد، خیانت نماید.

۲. پیامد

قال رسول الله: وَيَلُ لِصْنَانِ أُمِّي مِنَ الْيَوْمِ وَعَدِ^۲

وای بر صنعت کاران امت من از امروز و فردا کردن!

۳. آثار سوء

رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهِيَ رَاجِعَةٌ عَلَى صَاحِبِهَا: الْبَغْيُ وَالْمَكْرُ وَالنَّكَثُ^۳

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه : صفحه ۴۲۲

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه: ج ۳، ص ۱۶۰

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه : ص ۴۲۲



سه خصلت است که در هر کس باشد (آثارش) به خود او بر می گردد: ظلم کردن، فریب دادن و تخلف از وعده.

بیانات رهبری:

خلف وعده هم با مردم نکنید. آنچه به مردم وعده می‌دهید، اصرار داشته باشید که آن را انجام دهید؛ یعنی خودتان را گردنگیر آن وعده بدانید. این طور نباشد که بگوییم نشد که نشد؛ چه کار کنیم؛ نه، اصرار کنید. البته یک وقت انسان به اضطراب برخورد میکند، آن بحث دیگری است؛ اما تا آن جایی که توان و قدرت در شما هست، تلاش کنید وعده‌یی را که به مردم دادید، عمل کنید و منت هم نگذارید.^۱

۹. سخن چینی

یکی از معایبی که در یک سازمان می تواند وجود داشته باشد سخن چینی می باشد که معمولاً با هدف کوبیدن شخصیت افراد دیگر در پیش مدیران این عمل زشت انجام می شود و در نتیجه به بردن آبروی آنها اتفاق می افتد و در نتیجه تنها چیزی که باقی می ماند دلگیری برای طرفین در آینده می باشد. و باید تمام هم و غم ما در یک سازمان این باشد که بتوانیم با عملکردی که از خودمان نشان می دهیم خودمان را به بالا بکشانیم نه این که با ضد دیگران سخن گفتن و آبروی دیگران برای خودمان کسب آبرو کنیم.

۱. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۴، بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷



قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَيَلِّ لِكُلِّ هُمْرَةٍ لَمَرَةً^۱

وای بر هر بدگوی عیب جوی.

روایات:

۱. ماهیت

پیامبر صلی الله علیه و آله: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: الْمَسْأُؤُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبُ؛^۲

آیا شما را از بدترین افرادتان آگاه نکنم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا! فرمودند: کسانی که سخن چینی می کنند، آنان که میان دوستان جدایی می اندازند، کسانی که برای افراد پاک و بی گناه، عیب می تراشند.

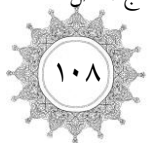
۲. پیامد

قال اباعبدالله: إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ السِّحْرِ النَّمِيمَةِ يُفَرِّقُ بِهَا بَيْنَ الْمُتَحَابِّينَ وَيَجْلِبُ الْعِدَاوَةَ عَلَى الْمُتَصَادِقِينَ وَيَسْفِكُ بِهَا الدِّمَاءَ وَيَهْدِمُ بِهَا الدُّوَرَّ وَيَكْشِفُ بِهَا السُّتُورَ، وَالنَّمَامُ أَشَرُّ مَنْ وَطَأَ عَلَى الْأَرْضِ بِقَدَمٍ^۳

۱. همزه ۱

۲. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال: ج ۱، ص ۱۸۳

۳. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج: ج ۲، ص ۳۴۰



یکی از بزرگترین سحرها سخن چینی است که در میان دو دوست جدایی می افکند، و تخم عداوت را میان علاقه مندان می پاشد و سبب ریختن خون ها، و ویران شدن خانه ها و دریدن پرده ها می گردد، و سخن چین بدترین کسی است که بر زمین قدم نهاده است

۳. حرام بودن بهشت

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مُحَرَّمَةُ الْجَنَّةِ عَلَى الْقَتَاتَيْنِ الْمَشَّائِينَ بِالنَّمِيمَةِ^۱

حضرت باقر علیه السلام فرمود: بهشت بر دروغپردازان (یا کار آگاهان که) سخن چینی کنند حرام است.

بیانات رهبری:

معتقدید که آدم صالحی هستید، آدم برجسته ای هستید؛ بسیار خوب، از خودتان هر چه میخواهید تعریف کنید بکنید اما به رقیبتان اهانت نکنید، به رقیبتان تهمت نزنید، از رقیبتان غیبت هم نکنید؛ تهمت و افترا یعنی نسبتی بدهید که واقعیت ندارد، [اما] غیبت یعنی نسبتی بدهید که واقعیت دارد؛ غیبت هم نباید بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه است و یک معیار است.^۲

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامية): ج ۲ ص ۳۶۹

۲. سید علی خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۹۴، بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات ۱۳۹۴/۱۰/۳۰



۱۰. رابطه گرای (پارتی بازی)

یکی از مشکلات سازمان ها ، برقراری رابطه به جای ضابطه و قانون است و مصداق بارز آن، پارتی بازی است که برای تسریع در حل مشکل یا کسب منافع افراد خاصی به دور از ضوابط انجام می گیرد و کم و بیش در تمام کشورها و در تمام نظام های اداری در سطوح مختلف مشاهده می شود و جالب اینجاست که در تمامی ادوار ها این کار نهی شده است و و این عمل بر خلاف نظام اداری می باشد.

قرآن:

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.^۱

... و هرگاه سخن گوید عادلانه گوید هرچند درباره خویشاوندان باشد و به عهد خدا وفا کنید اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می کند، باشد که پند گیرید.

روایات:

۱. ماهیت

قال امیر المومنین:

لا والله ما أجد لك شيئا إلا أن تأمر عمك يسرق فيعطيك^۱



نه، چیزی برای تو نزد من نیست، مگر اینکه به عمومی خود دستور بدهی تا (از بیت المال) دزدی کند و به تو بدهد.

بیانات رهبری:

یک روزی بود که مسئولان در سطح بالا، در تهران اساسی‌ترین هدفشان، پُرکردن کیسه‌های خود و راضی کردن اربابان خارجی و امریکایی و صهیونیستشان بود. خود را وظیفه‌مند نمیدانستند که مشکلات ملت و کشور را هدف خودشان قرار بدهند. اگر یک شهری یک عنصر با نفوذی در دستگاه حاکمه می‌داشت، به قدر نفوذ خود، برای شهر خود - آن هم غالباً برای منافع شخصی - امکانات دولتی را جلب میکرد. اگر شهری یک پارتی با نفوذ در دستگاه‌های تصمیم‌گیری نداشت، از همه چیز محروم میماند. بسیاری از مردم ما و بسیاری از شهرهای ما در دوران طاغوت، قربانی این تبعیض و این نظام غلط و طاغوتی شدند.^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار: ج ۴۱، ص ۱۳۷

۲. سید علی خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۱۳۸۵، بیانات در دیدار مردم دامغان ۱۳۸۵/۸/۱۹



۱۱. غضب

در برخی از اوقات در یک سازمان اتفاقاتی رخ خواهد داد که موجب ناراحتی افراد خواهد شد و بهترین کار این است که سعی شود افراد با صبر و حلم ورزی که از خود نشان می دهند آرامش خودشان را حفظ کنند تا هرچه بیشتر بتوانند به سازمان خدمت کنند و در پیشبرد اهداف سازمان را هر چه بهتر پیش ببرند.

قرآن

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^۱

آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، و خشم خود را فرو می برند، و از [خطاهای] مردم در می گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد

روایات:

۱. ماهیت

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخُلُ الْعَسَلُ^۲

پیامبر خدا فرمودند: غضب ایمان را زایل می کند همان گونه که سرکه عسل را

۱. آل عمران ۱۳۴

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامية): ج ۲ ص ۳۰۲



۲. پیامد

قَالَ الصَّادِقُ ع كَانَ أَبِي مُحَمَّدٌ ع يَقُولُ أَيُّ شَيْءٍ أَشَرُّ مِنَ الْغَضَبِ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا غَضِبَ يَقْتُلُ النَّفْسَ وَيَقْذِفُ الْمُحْصَنَةَ^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم میفرمود: کدام چیز بدتر از غضب میباشد هر گاه مردی غضب کند آدم میکشد و زن پارسا را متهم میکند

۳. راهکار

قال رسول الله : الغضب من الشَّيْطَانِ وَ الشَّيْطَانُ خَلَقَ مِنَ النَّارِ وَ الْمَاءُ يَطْفِئُ النَّارَ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَغْتَسِلْ.^۲

خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را به آب می توان خاموش کرد؛ وقتی یکی از شما خشمگین شود، وضو گیرد.

بیانات رهبری:

بعثت برای مقابله‌ی با «جاهلیت» آمد. جاهلیت در ادبیات اسلامی، دوران قبل از طلوع نبوت پیامبر مکرم است. نباید تصوّر کرد که این جاهلیت، مخصوص جزیره‌العرب و عربهای مکه و حجاز و بقیه‌ی نقاط بود؛ نه، آن جاهلیت عمومیت داشت؛ ایران آن روز هم غرق در جاهلیت بود، امپراتوری روم آن روز هم غرق در

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت): ج ۷۰، ص ۲۶۵

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة: ص ۵۸۶



جاهلیت بود؛ اسلام و بعثت پیامبر برای مقابله‌ی با همه‌ی این جاهلیت پدید آمد. جاهلیت فقط به معنای فقدان علم نیست؛ در تعبیرات اسلامی و در ادبیات اسلامی، جاهلیت معنای بسیار وسیع‌تری دارد؛ بخشی از جاهلیت، فقدان علم و نداشتن علم است اما جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این میشود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوی و غضبی عمدتاً فرمانروایان خود به شکلی دربیاید که فضائل در آن گم بشود و رذائل حاکم بشود؛ این میشود جاهلیت. یک عرصه‌ی وسیعی از گمراهی در زندگی مردم جاهلی وجود داشت: از یک طرف مهارگسیختگی شهوات نفسانی، شهوات جنسی و امثال آن - حالا شما همین محیط جزیره‌العرب را نگاه کنید؛ بقیه‌ی محیطها هم همین جور بود؛ به شکل مهارگسیخته‌ای غرق در شهوات بودند و هرکسی میتوانست، شهوترانی میکرد - و از آن طرف، همین انسانهای تابع شهوت خود، در مقام قساوت و ویرانگری و خونریزی، باز تا نهایت حدومرزی که قابل تصور است میرفتند، یعنی کودکان خودشان را میکشند؛ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ - کسانی که اولاد خود را به قتل می‌رساندند - سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ این از روی سفاهت است؛ این سفاهت همان جاهلیت است. قساوت تا اینجا میرسد که کودک مردم که هیچ، زن و بچه‌ی بی‌گناه دیگران که هیچ، بر فرزند خود هم ترحم نمیکنند! این میشود جاهلیت. از آن طرف شهوت، از این طرف غضب؛ آن وقت محیط زندگی، اسیر این دو احساس سرکش بی‌مهار قرار میگیرد. اسلام آمد این وضعیت را دگرگون کند. البته عیناً همین در دربارهای ایران ساسانی هم بود، در دربارهای امپراتوری روم هم بود، در بقیه‌ی جاهایی

هم که امپراتوری‌ها و دربارها و حکمرانی‌های ظالمانه و طاغوتی بود وجود داشت. اسلام در مقابل همه‌ی این واقعیت زشت قد برافراشت؛ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا همه‌ی جهان را مخاطب هشدار خود قرار داد؛ این پیام اسلام است.^۱

۱۲. منت گذاری

منت گذاری در قبال انجام وظیفه، یکی دیگر از آفات اخلاقی کارمندان و کارگزاران نظام اسلامی است که معمولاً در برخی از سازمان ها اتفاق می افتد. کارمندان از منت گذاری در برابر خدمت نهی شده‌اند تا چه رسد به منت گذاری در برابر انجام وظیفه ای که بر عهده کارمندان می باشد. و باید به این باور برسیم که در یک سازمان ما مشغول انجام وظیفه هستیم و در قبال این وظیفه ای که بر دوش ما هست مبلغی را به عنوان حقوق دریافت می کنیم و لذا نباید بر دیگران منت بگذاریم.

قرآن:

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۲

۱. سید علی خامنه ای ، حدیث ولایت ، ج ۱۳۹۴ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۴/۲/۲۶

۲. بقره ۲۶۴



ای مؤمنان! صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار، باطل نکنید همانند کسی که مالش را برای نمایش دادن به مردم انفاق می‌کند و به خداوند و روز باز پسین ایمان ندارد. آری، داستان او مثل سنگی است که بر روی آن غباری باشد و دانه ای در آن، کاشته شود و باران سنگینی بر آن سنگ بیارد و غبارهای آن نیز شسته شود و نتوان از آن، هیچ حاصلی به دست آورد. آنان از کار و کردار خویش حاصلی نبرند و خداوند خدا شناسان را هدایت نمی‌کند.

روایات:

۱. ماهیت

امام حسین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ؛

نیاز مردم به شما از نعمتهای خدا بر شما است، از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.^۱

۲. پیامد

امام علی علیه السلام: أَلَمَنْ يُنَكِّدُ الْأَوْحُسَانَ.^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۷۴، ص ۲۰۵

۲. محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، شرح غررالحکم: ج ۱، ص ۱۷۸



منت گذاری ، [وزن] احسان و نیکی را سبک می کند.

۳. نابودی عمل

قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ الْمَنْ يَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ.^۱

امام صادق (ع) : منت نهادن ارزش نیکیها را از بین می برد.

بیانات رهبری:

سر مردم منت نگذارید و بگویید ما این کارها را برای شماها کرده ایم. وظیفه بوده، انجام داده اید. اگر انجام داده باشید، وظیفه تان را انجام داده اید؛ منتی سر مردم نگذارید. «او التزید فیما کان من فعلک»؛ کارهایی را که انجام داده اید، بزرگنمایی نکنید. گاهی انسان کاری را انجام می دهد، بعد در ستایش آن کار خیلی مبالغه میکند؛ چندین برابر آنچه حقیقت کار است. «او ان تعدّهم فتنّیع موعدک بخلفک»؛ خلف وعده هم با مردم نکنید. آنچه به مردم وعده می دهید، اصرار داشته باشید که آن را انجام دهید؛ یعنی خودتان را گردنگیر آن وعده بدانید. این طور نباشد که بگوییم نشد که نشد؛ چه کار کنیم؛ نه، اصرار کنید. البته یک وقت انسان به اضطراب برخورد میکند، آن بحث دیگری است؛ اما تا آن جایی که توان و قدرت در شما هست، تلاش کنید وعده بی را که به مردم دادید، عمل کنید و منت هم نگذارید.^۲

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامية) : ج ۴ ص ۲۲

۲. سید علی خامنه ای ، حدیث ولایت ، ج ۱۳۸۴ ، بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷



منابع و مآخذ

قرآن

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون أخبار الرضا**، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، **شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید**، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، **دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام**، مؤسسة آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ ق.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۷. الامین، عبدالقدوس، **معمار محبت خاطرات شهید حسن شاطری**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۷.
۸. الهندی البرهان فوری، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، **کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال**، بیروت: موسسه الرساله، ۱۸ ج ۱۳۷۲ هـ. ش.



۹. اکبری مزدآبادی، علی، *زندگی با فرمانده*، خاطراتی از شهید حسین خرازی، تهران، یازدها ۱۳۹۱.
۱۰. بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعة (اللبروجردی)*، انتشارات فرهنگ سبز - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم*، قم، موسسه فرهنگی دار الحديث، ۱۳۹۵.
۱۲. حسام، حمید، *دلیل، روایت حماسه نابغه اطلاعات عملیات سردار شهید علی چیت سازیان*، ناشر: سوره مهر، تاریخ چاپ اول ۱۳۹۶.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، مؤسسة آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، *الحیة / ترجمه احمد آرام*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. خامنه ای، سید علی، *حدیث ولایت*، تهران، نشر انقلاب اسلامی ۱۳۹۸.
۱۶. خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۹.
۱۷. جعفریان، حبیب، *نیمه پنهان ماه*، حمید باکری به روایت همسر شهید، انتشارات روایت فتح، ۱۳۹۴.
۱۸. جمعی از نویسندگان، *سلام بر ابراهیم*، تهران، ابراهیم هادی، ۱۳۹۰.
۱۹. رفیع پور، فرامرز، *آنا تومی جامعه یا سنة الله، مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*، تهران، انتشارات کاوه، ۱۳۷۷.

۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، مطبعة حیدریة - نجف، چاپ: اول، بی تا، ۱۳۸۰.
۲۲. فایضی، حسن، از خاک تا افلاک، قم، سوره مهر، ۱۳۸۴.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، قم، اسلامیة، ۱۳۸۶.
۲۴. فکوری، اصغر، روز تیغ، کرمان، لشکر ۴۱ ثار الله کرمان، ۱۳۸۸.
- ۲۵.
۲۶. طاهری آذر، محمد و دیگران، پرواز تا بی نهایت، تهران، ارتش جمهوری اسلامی ایران، اداره سیاسی ایدئولوژیک، ۱۳۹۲.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. طبرسی، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ۱۳۶۹.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، شریف رضی - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم، دارالوثاقه، ۱۳۸۶.
۳۲. عامری، محمد، آقا مجتبی خاطراتی از شهید سید مجتبی هاشمی، ناشر: تقدیر، نوبت چاپ: دوم، تابستان ۱۳۹۶.
۳۳. علی نماز شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، قم، موسسه نشر اسلامیة، ۱۳۸۵.



۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، دارالتحلیق، ۱۳۹۳.
۳۵. کریمی، رضا، *نهج الفصاحه*، ترجمه حسین ردایی آملی، تهران، نسیم حیات، ۱۳۸۶.
۳۶. لیشی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ (اللیثی)*، دار الحدیث - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
۳۷. ورام، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، ترجمه عطائی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۳۸. محمد بن احمد قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۰.
۳۹. مبتکر سرابی، اسفندیار، *شهرداران آسمانی*، تهران، نسیم حیات، ۱۳۸۵.

